

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۵ - شماره مسلسل ۵۲

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- | | |
|--|--|
| ۱۰ شرکت وزنه تعطیل شد | ۲ منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران - متن تکمیل شده |
| ۱۱ اخراج ۵۴ هزار کارگر راه آهن در روسیه | ۳ شرایط زندگی و کار کارگران کوره های آجرپزی |
| ۱۱ اجتماع اعتراضی کارگران فرانسوی و آلمانی در هانوفر | ۳ تعویق ۴ ماهه دستمزد کارگران «پیمان صنعت» اصفهان |
| ۱۲ اول ماه می روز جهانی همبستگی کارگران را جشن می گیریم! | ۳ تعویق ۲ ساله حقوق کارگران قند بردسیر |
| ۱۴ اعتراض مشترک کارگران فرانسه و آلمان به بسته شدن کارخانه لاستیک سازی | ۴ اگر در اول ماه مه، خواست کارگران کاهش ساعت کار بود، حال مطالبه اساسی کارگران مقابله با اخراج است |
| ۱۴ اعتصاب کارگران بندر ۴ گوتنبرگ سوئد | ۵ اجتماع اعتراضی بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما |
| ۱۴ اول ماه مه و تشدید سرکوب و خفقان در جنبش کارگری | ۵ تجمع اعتراضی کارگران پارس قو |
| ۱۵ تجمع های اعتراضی کارگران اداره آب زابل | ۵ اعتصاب معلمان دو روز است که آغاز شده است |
| ۱۵ اخراج ۸۰ کارگر و خطر بیکاری ۲۷۰ کارگر کارخانه ارج | ۵ حکم زندان برای ابراهیم گوهری |
| ۱۵ بیکاری ۵۰ کارگر دیگر در زاهدان | ۶ تظاهرات اعتراضی کارگران «سدید» چهاردانگه |
| ۱۵ اخراج دسته جمعی کارگران کارخانه نیرو رخس کردستان | ۶ اعتصاب کارگران شرکت تولید رادیاتور در سمنان |
| ۱۵ نجیبه صدای اعتراض زن در ایران است | ۶ اعتصاب و تظاهرات کارگران صنایع مخابراتی شیراز |
| ۱۶ از زبان یک کارگر کارخانه شیشه سازی قزوین | ۶ اعتصاب مستقل کارگران ولو در شهر اُمئو سوئد |
| ۱۶ معلمان سقز به اعتصاب سراسری معلمان می پیوندند | ۷ نقد گذشته را به مشعل راه آینده تبدیل کنیم! |
| ۱۶ بلعیده شدن شرکت وزنه توسط شرکت ماموت و بیکارسازی ۵۰۰۰ کارگر | ۱۰ تظاهرات اعتراضی معلمان حق التدریسی |



متن تکمیل شده منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید. صفحه ۲

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران - متن تکمیل شده

(به مناسبت اول ماه مه - ۴)

- ۳- کارخانگی بایدازمیان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تامین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و ازکارافتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
 - ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
 - ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
 - ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
 - ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
 - ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
 - ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
 - ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کفبری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
 - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
 - با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
 - ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
 - ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم با منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هر چه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.

شرایط زندگی و کار کارگران کوره های آجری

ارزش اضافی تولید نموده اند و تنها پس از مرگشان معلوم شده که اصلاً بیمه نبوده اند و هیچ چیزی به نام بازنشستگی به آنان تعلق نمی گرفته است.

۱۲. محل سکونت آنان پر از سگ هایی است که بسیاری اوقات می توانند حامل بیماری هاری باشند.

۱۳. بیماری هایی مانند کزاز و هیپاتیت و هاری در میان آن ها بسیار فراوان است.

۱۴. هیچ درمانگاه و مرکز درمان و امکانات پزشکی و بهداشتی در دسترس کارگران قرار ندارد.

۱۵. کودکان به طور غالب از مدرسه و تحصیل محروم هستند.

۱۶. اکثر کودکان خردسال کار می کنند و به وحشیانه ترین شکلی استثمار می گردند. بچه های بین ۷ تا ۱۴ سال بخش قابل توجهی از کارگران را تشکیل می دهند. این کودکان حداقل ۶ ماه از سال را در کشته ترین شرایط کار می کنند و برای سرمایه داران سود تولید می نمایند.

۱۷. کارگران از هیچ نوع بیمه دارو و درمان برخوردار نیستند.

منبع: دوپچه وله
۸ اردیبهشت ۸۸

۵. زنان حامله و کودکان خردسال همه در میان همین زباله ها و مگس دانی ها و در درون همین آلودگی ها زندگی می کنند.

۶. کارگران عموماً ۱۶ ساعت یا بیشتر در شبانه روز کار می کنند و استثمار می شوند.

۷. تمام این ۱۶ ساعت مجبور به گل سازی، قالب کشی، قالب داری، خشت زنی، بارکشی، تحمل حرارت های کشنده شعله های آتش و مانند این ها هستند.

۸. نصف کارگران زن هستند و زنان نیز اغلب باید این کارهای شاق و توانفرسا و کشنده را تحمل کنند.

۹. بیش از ۷۰ درصد کارگران فقط به طور فصلی و موقتی می توانند کار کنند و سرمایه داران برای شدت استثمار آن ها به هیچ مرزی بسنده نمی کنند.

۱۰. هیچ ریالی عیدی و پاداش و بن کارگری و حقوق روزهای مرخصی و حق سنوات و حق اولاد و حق مسکن و مزایا و مانند این ها را نمی گیرند. سرمایه داران همان دستمزد نازل و ناچیز این کارگران را شامل همه این مطالبات می دانند!!

۱۱. کارگرانی هستند که ۴۰ سال در این جا به وحشیانه ترین شکل ممکن استثمار شده اند و درست تا لحظه مرگ برای سرمایه کارکرده و

سرمایه داران به ویژه آن ها که در کنار همه زرادخانه های کارگرکش خود سلاح مذهب را نیز علیه کارگران به کار می گیرند، ما را از « جهنم » می ترسانند. آنان هنگام این تهدید اصلاً به روی خود نمی آورند که آنچه در همین جهان بر ما تمیل می کنند هزاران بار از جهنم موعود مورد ادعایشان سوزان تر، هولناک تر، کشنده تر و جنایتکارانه تر است. برای مثال نگاهی به شرایط زندگی و کار کارگران کوره های آجری بیندازید. این کارگران:

۱. در بیابان ها در زاغه های کنار محل کار اقامت دارند. در یک آلودگی ۶ متری گاه ۱۲ نفر مجبور به سکونت و خورد و خواب و گذراندن چیزی به نام زندگی هستند.
۲. توالت و دست شویی محل سکونت آنان خانه امن تمامی میکروب های بیماری زا و مهلک است. هیچ اثری از چیزی به نام بهداشت در این محله ها قابل رؤیت نیست.
۳. فاضلاب بدون هیچ پوشش و ملامال از عفونت و گند و زباله درست از میان آلودگی ها عبور می کند.
۴. تجمع مگس های بیماری زا به حدی است که گاه کل محله را در سیاهی خود فرو می برند.

تعویق ۴ ماهه دستمزد کارگران «پیمان صنعت» اصفهان

قدرت است. سرمایه داران و دولت آن ها با تمامی قوا کوشیده اند تا این قدرت ما را نابود، احساس وجود آن را منکوب و تلاش برای سازمان دادن آن را سرکوب سازند. ما در راستای مقابله با همه این تهاجمات سفاکانه سرمایه داران و دولت آن ها است که می توانیم یک جنبش زنده و امیدوار ضدسرمایه داری داشته باشیم.

منبع: آژانس ایران خبر
۸ اردیبهشت ۸۸

گرسنگی، بدهکاری، احساس خفت و ذلت، ترس و وحشت آن ها را کلافه کرده است. شاید سؤال شود که این کارگران در چنین منجلابی از بدبختی چرا به صورت جمعی و متشکل مبارزه نمی کنند؟ از چه می ترسند و نگران از دست دادن چه چیز هستند؟ مگر نه این است که آنان جز گرسنگی و ذلت و حقارت و بدهکاری و فقر چیز دیگری را از دست نمی دهند؟! این سؤال کاملاً بجا و این حرف عمیقاً درست است. اما مبارزه کردن به معنای اعمال قدرت کردن است و بر همین مبنا نیازمند باور به قدرت جمعی خویش و تلاش برای سازمان دادن این

کارگران پیمان صنعت اصفهان ۴ ماه است که موفق به دریافت هیچ ریالی از دستمزدهای خود نشده اند. سرمایه دار شرکت تهدید کرده است که هر کارگر معترض به تعویق حقوق و خواستار پرداخت دستمزد را یکراست و بدون هیچ قید و شرط اخراج خواهد کرد. فضای رعب و وحشت و حقان مسلط بر محیط کار سبب شده است که کارگران دست به اعتراض نزنند و به گونه ای بسیار رقت بار به سیاست صبر و انتظار تن دهند یا به عبارت دقیق تر به مرگ ذلت بار تمکین کنند. شرایط زندگی کارگران بسیار دردناک و غم انگیز است.

تعویق ۲ ساله حقوق کارگران قند بردسیر

ساختمان کارخانه اجتماع کردند و برای یک بار دیگر فریاد اعتراض سردادند. کارگران فریاد می زدند که هیچ امیدی برای ادامه زندگی ندارند. جان شان به لب رسیده است. مرگ را به مراتب بر این زندگی پر از ذلت ترجیح می

طریق قرض و گرفتن نسبه نان فرزندان شان را تهیه کرده اند، راهی که دیگر به طور کامل به بن بست رسیده است، زیرا هیچ مغازه داری دیگر به آنان نسبه نمی دهد. ۲۵۰ کارگر در روز یک شبانه ششم اردیبهشت در مقابل

سرمایه دار کارخانه قند بردسیر ۲ سال است که کل دستمزد ۲۵۰ کارگر را مصادره کرده است. او از پرداخت حقوق این کارگران سر باز زده و اعتراضات مکرر آن ها را بدون جواب گذاشته است. کارگران در طول این دو سال فقط از

دهند. آنان خطاب به دولت سرمایه داری اعلام می کردند که در کنار سرازیر کردن حاصل و

کار استعمار میلیون ها کارگر به جیب سرمایه داران فکری هم برای پرداخت دستمزد ناچیز

کارگران بکنند. منبع: آژانس ایران خبر اردیبهشت ۸۸

اگر در اول ماه مه، خواست کارگران کاهش ساعت کار بود، حال مطالبه اساسی کارگران مقابله با اخراج است

عظیمی از کارگران را اخراج کرده و آواره خیابان ها می کنند. اعتراضات و شورش های کارگری در امریکا و فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی در تقابل با این اخراج ها به وجود آمده است. کارگران در فرانسه برای جلوگیری از اخراج مدیران کارخانه را زندانی کرده اند.

چند جنبش کارگری در ایران علیه بیکاری و گرفتن حقوق معوقه (کارگران پروژه ای آبادان، اصفهان، تبریز، شوراهای کارگری شرق) به سال ۵۸ بر می گردد. دوره اخیر از سال ۷۵ شروع شده و بارها به اشکال مختلف اعتراض، اعتصاب و تجمع داشته است. بارها مورد هجوم قرار گرفته است. هم اکنون کارگران برای گرفتن حقوق معوقه و مقابله با اخراج، به اشکال مختلف درگیر هستند. با وجود گسترده بودن این جنبش، اما نبود همبستگی یکی از علل اصلی است که این جنبش نتوانسته به مطالبات خود برسد. هم اکنون اول ماه مه را پیش رو داریم. کارگران دهها کارخانه در اعتصاب، تحصن، تجمع و... به سر می برند. در فروردین ماه سال جاری کارگران اعتصابی قزوین، اعتصاب کارگران لاستیک دنا که بعد از اعتصاب اسفند ۸۷ متحد شده در مقابل هر تهدید از سوی مدیریت کارخانه ایستادگی می کنند، در ۲ اردیبهشت برای مقابله با اخراج مجبور شدند خود تولید را در دست بگیرند. کارگران صنایع مخابراتی (خصوصی) ۶ اردیبهشت در میدان پیام شیراز با جمع ۴۰۰ نفری خود در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود (تعداد کارگران ۵۰۰ نفر) دست به تجمع زدند. کارگران هفت تپه نیز چند سال است برای مطالبات خود مبارزه می کنند. با این وجود هر چند بخشی از حقوق های معوقه آن ها پرداخت شده است اما نتوانسته اند به مطالبات خود برسند این در حالی است که برای تعدادی از کارگران (هیات مدیره سندیکا) حکم زندان صادر شده است. کارگران لوله سازی اهواز و ده ها کارخانه دیگر در حال اعتراض و اعتصاب هستند.

اخراج و بیکارسازی اکنون محدود به کشورهایی چون ایران نمی شود، بلکه ابعاد جهانی پیدا کرده است اگر مبارزات کارگران در اول ماه مه برای ۸ ساعت کار در روز بود اکنون مقابله با اخراج و بیکاری، عدم امنیت شغلی یکی از محوری ترین مطالبات کارگران در سرتا سر جهان است. سرمایه داران می خواهند با اخراج و پایین آوردن دستمزد، بالا بردن شدت کار و بالاخره فقر و آواره کردن کارگران بر این بحران فائق آیند. تنها راهی که برای کارگران باقی میماند مقابله با اخراج ها، مقاومت با کاهش دستمزدها است. آن چیزی که امروز جنبش کارگری از آن رنج می برد نبود تشکل کارگری است. جنبش کارگران اخراجی و حقوق معوقه، بیکار حلقه های بهم پیوسته جنبش کارگری را تشکیل می دهند که اتحاد و همبستگی این بخشها می تواند سرمایه را به عقب نشینی وادارد. در حال حاضر اخراج و بیکار سازی، عدم امنیت شغلی این بخش ها می تواند سرمایه را به عقب نشینی وادارد. در حال حاضر اخراج و بیکارسازی، عدم امنیت شغلی محدود به یک منطقه کارگری در جهان نبوده بلکه این مطالبه و خواست بخش های زیادی از کارگران است. همان طوری که همبستگی و اتحاد کارگران در اول ماه مه توانست سرمایه جهانی را به قبول ۸ ساعت کار در روز وادار کند.

در آستانه مراسم روز کارگر، کارگران برای افزایش دستمزد و مقابله با اخراج مبارزه می کنند.

بهرام دزکی

روزاول ماه مه، یادآور بزرگداشت مبارزات کارگران جهان برای رسمی کردن روزکار هشت ساعته است. مبارزه ای که از کارگران استرالیایی در شرق جهان تا کارگران امریکایی در غرب جهان را در بر می گرفت.

مبارزه برای کاهش ساعات کار از محوری ترین مطالبات کارگری در رابطه با افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار صرف می شد. مبارزه برای کاهش روز کار به ۸ ساعت در روز خواست اکثریت کارگران کشورهای سرمایه داری آن زمان (یک خواست اساسی) بود که کارگران را به رویارویی با سرمایه و دولت های سرمایه دار کشانده بود. اما مبارزات کارگران در شیکاگو با ایجاد همبستگی کارگری بین تشکل های مختلف کارگری قدرتمند تر و متشکل تر از دیگر جنبش های کارگری در سایر نقاط جهان، برای تمایل این خواست کارگران جهان به سرمایه داران و دولت هایشان ظاهر شدند. گرچه در این راه چندین کارگر را دولت سرمایه به اعدام و زندان محکوم کرد و هر چند هزینه عظیمی را جنبش کارگری متحمل شد. اما سرمایه داران و دولت هایشان را وادار به اجرای این مطالبه کارگری کرد. کارگران ضمن مبارزات خود خواست های دیگری چون حق اعتصاب، تشکل و... را به سرمایه داران تحمیل کردند. واقعیتی است که هرگاه جنبش کارگری ضعیف می شود، سرمایه داران به دستاوردهای آن ها حمله می کنند. بسیاری از امکانات آموزشی و بهداشتی که دولت ها و سرمایه داران مجبور به تامین آن شده بودند به خاطر نبود جنبش متشکل در تقابل با سرمایه این امکانات که بخش کوچکی از تولید اجتماعی طبقه کارگر است، حذف می شود. همان چیزی که دولت های کشورهای اروپایی آن را شروع کرده اند. جنبش اجتماعی طبقه کارگر در حالی که برای کاهش ساعت کار و رسمیت دادن به ۸ ساعت کار در روز مبارزه می کرد بخش وسیعی از بنده کارگری ضمن مبارزه متحول گردید. طبقه کارگر به قدرت نیروی خود و نقش تشکل در جنبش کارگری به نقش سترگ آگاهی در پیشبرد مبارزه پی برد. طبقه کارگر قوانین علیه اعتصاب و دیگر قوانین ضد کارگری را که برای رسمیت دادن به زندان و اعدام کارگران تصویب کرده بودند را از رسمیت انداخته و جنبش طبقه کارگر به این حقیقت واقف شد که قوانین ضد کارگری در مقابل خیزش کارگران نمی توانند مقاومت کنند.

در حالی روز اول ماه مه فرا می رسد که بحران سرمایه داری که برخاسته از مناسبات سرمایه داری است در بسیاری از کشورهای خیمه زده است. دولت های سرمایه برای فروکش کردن این بحران بخشی از انباشت حاصل از نیروی کار کارگران را به حساب شرکت ها و سرمایه داران سرازیر کرده است. دولت های سرمایه داران از محصول کارگران حاتم بخشی می کنند. بحرانی که سال ها پیش می بایست خود نمایی می کرد با بهره کشی از نیروی کارگران از طریق انتقال سرمایه مناطق کارگری دیگر نقاط جهان، یا از طریق نیروی کارگرانی که به خاطر بیکاری و اخراج به کشورهای اروپایی و امریکایی روانه شده بودند به تعویق افتاد. اکنون دولت های سرمایه داری با هجوم به دست آورد کارگران، کاهش هزینه های بهداشتی و آموزشی، بحرانی را که خود باعث و بانی آن هستند با کم کردن معاش کارگران هزینه می کنند. بحرانی را که محصول محتوم سیستم سرمایه داری و انباشت کردن سرمایه ها و به تبع آن پایین آمدن نرخ سود سرمایه داران است، می خواهند با هزینه کردن از جیب کارگران سرمایه را نجات دهند. به این بسنده نکرده، بلکه برای نجات سرمایه دست به اخراج کارگران می زنند. هر روز خیل

اجتماع اعتراضی بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما

افراد به درون و بیرون ساختمان جلوگیری کردند و اعلام داشتند که تا گرفتن مطالباتشان به تحصن و اعتراض ادامه خواهند داد.

منبع: ایلنا

۷ اردیبهشت ۸۸

بازنشستگان در مورد اقدام به تحصن و راه پیمایی و اشکال دیگر اعتراض را نادیده گرفته است. کارگران بازنشسته روز یکشنبه ششم اردیبهشت ماه را به عنوان روز اجتماع در مقابل ساختمان ایران ایر اعلام کرده بودند اما تشکیل این اجتماع اعتراضی به امروز موکول شد. بازنشستگان دروازه ورودی ساختمان را در تصرف خود گرفتند. آنان از ورود و خروج

بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما (ایران ایر) مدت ها است که برای دستیابی به مطالبات معوقه خود در حال اعتراض و مبارزه هستند. این مبارزات تا حال حاضر به هیچ نتیجه ای نینجامیده است. هواپیمایی هما با توسل به دستاویز عدم دریافت مجوز رسمی از نهادهای دولتی زیربسط حاضر به پرداخت مطالبات کارگران نیست و اظهارهای مکرر

تجمع اعتراضی کارگران پارس قو

علی الخصوص که پیرایه ای بر او بستند

عروس حضرت سلطان همیشه دل می برد

فریاد اعتراض خود علیه شرارت این سرمایه دار را به گوش همگان برسانند. سرمایه دار که در تمامی این یک سال از ملاقات با کارگران خودداری کرده اینک پیغام داده است که به دلیل وقوع بحران در دنیای سرمایه داری و سرایت بحران به کارخانه او قادر به پرداخت حق سنوات کارگران نیست. ۷۰ کارگر که به نمایندگی کل ۱۲۰ کارگر در اجتماع حضور داشتند اعلام کردند که تا گرفتن مطالبات به مبارزه خویش ادامه می دهند.

منبع: ایلنا

۷ اردیبهشت ۸۸

سرمایه داران چنین می کنند و سرمایه دار صاحب کارخانه پارس قو فقط یکی از خیل عظیم آن ها است. او مدت ها پیش ۱۲۰ کارگر دارای سابقه ۲۰ سال به بالا را اخراج کرده و بنا بر تصمیم یکجانبه و قدرت بی چون و چرای سرمایه دار بودن خود اعلام کرده است که همه این ۱۲۰ نفر بازنشسته پیش از موعد هستند. صاحب کارخانه پس از این کار حتی از پرداخت حق سنوات کارگران سر باز زده و در طول یک سال گذشته به رغم اعتراضات مکرر کارگران هیچ ریالی از این بابت به آنان پرداخت نکرده است. این کارگران امروز هفتم اردیبهشت در مقابل دفتر مرکزی شرکت در خیابان حافظ اجتماع کردند تا یک بار دیگر

سرمایه داران ایران در تمامی طول سی سال اخیر در تشدید بی عنان استثمار کارگران و هجوم به سطح زندگی توده های کارگر از هیچ جنایتی فروگذار نکرده اند. آنان همیشه و همه جا بدون هیچ نیازی به هیچ دستاویزی هر چه اراده کرده اند علیه هست و نیست کارگران انجام داده اند. با همه این ها طغیان موج بحران سرمایه داری در دنیا برای این جماعت کارگرکش انسان خوار به نعمتی الهی تبدیل شده است تا به بهانه آن ابعاد دست اندازی ها و تجاوزات سفاکانه خود به آخرین ریال دستمزد کارگران و نان بخور و نمیر فرزندان آنان را بدون هیچ مرز و محدوده ای تا هر کجا که بخواهند گسترش کنند. در این روزها همه

اعتصاب معلمان دو روز است که آغاز شده است

سازند. ما از همه کارگران و خانواده های آن ها می خواهیم که به هر شکل ممکن از مبارزات همزنجیران معلم خویش حمایت و پشتیبانی کنند.

منبع: آژانس ایران خبر

۷ اردیبهشت ۸۸

بیدادگرانه و تبهکارانه صدها هزار معلم در اربست قراردادهای موقت کار که حقوق ماهانه شمار کثیری از آنان حتی به صدهزار تومان هم نمی رسد، محتوای خرافه آمیز و وارونه بافانه و تحجرات آموزشی و بسیاری جنایت دیگر سرمایه. معلمان اعتصاب خویش را آغاز کرده اند تا دولت سرمایه داری را به قبول مطالبات خود مجبور

معلمان سراسر کشور دو روز است که اعتصاب خویش را آغاز کرده اند. علت واقعی اعتصاب سراسری معلمان عبارت است از دستمزدهای نازل و ناچیزی که مطلقاً برای بازتولید نیروی کار و پایین ترین سطح زندگی هم کفاف نمی دهد، شرایط از همه لحاظ دردآور و توان فرسای کار، خفقان و رعب و وحشت مسلط بر محیط های آموزشی، سلاحی

حکم زندان برای ابراهیم گوهری

مطالبات کارگران نیست و در همین راستا رفرمیسم سندیکالیستی را هم بر نمی تابد. دولت سرمایه بسیار خوب می داند که سندیکالیسم ایرانی اگر چه خواستار مهار مبارزات توده های کارگر است اما قادر به انجام این کار نیست. از این گذشته، سرمایه داران و دولت آن ها سخت وحشت دارند که کارگران حتی همین سندیکاهای اهل سازش را به رغم تمایل و تلاش

هیچگاه ادعای مبارزه با این نظام را نداشته است. ما همواره گفته ایم و تأکید کرده ایم که رفرمیسم سندیکالیستی در جامعه ما در همان حال که سدی بر سر راه مبارزه و سازمانیابی ضدسرمایه داری توده های کارگر است اما مورد حمایت دولت سرمایه داری نیز نیست. قدرت سیاسی حاکم سرمایه قادر به تحمل هیچ نوع اعتراض و مبارزه و قبول هیچ سطحی از

دادگاه سرمایه ابراهیم گوهری عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد را به ۱۸ ماه حبس محکوم کرده است. جرم گوهری این است که در چهارچوب قانون اساسی دولت سرمایه داری خواستار تحقق برخی مطالبات اولیه معیشتی کارگران بوده است. او همچون همه همکاران سندیکالیست خود معتقد به مبارزه قانونی در چهارچوب نظام سرمایه داری است و

کنیم. ما خواستار الغای فوری حکم زندان ابراهیم گوهری هستیم.
منبع: آژانس ایران خبر
۷ اردیبهشت ۸۸

ها محکوم می‌کند. ما سندیکالیسم را خطری جدی برای جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر می‌دانیم اما در همان حال هر نوع اذیت و آزار و زندان سندیکالیست‌ها و هر شکل اعمال محدودیت برای آنان را قاطعانه محکوم می‌کنیم.

سندیکالیست‌ها به محلی برای سازماندهی مبارزات ضدسرمایه داری خود تبدیل کنند. دولت سرمایه به همه این دلایل حتی فعالان سندیکالیست را نیز سخت مورد آزار و تعقیب قرار می‌دهد و به زندان و اسارت در سیاهچال

تظاهرات اعتراضی کارگران «سدید» چهاردانگه

براعتراض آنان غلبه کنند. حراستی‌ها را نندگان سرویس‌ها را مجبور ساختند که هر چه زودتر تظاهر کنندگان را سوار کرده و از محل اجتماع دور سازند.
منبع: آژانس ایران خبر
۷ اردیبهشت ۸۸

ها و فقر و گرسنگی و احساس ذلت سخت به ستوه آمده اند روز یکشنبه ۶ اردیبهشت یک بار دیگر دست به تظاهرات زدند. آنان تظاهرات اعتراضی خود را تا رسیدن به پای سرویس‌های ایاب و ذهاب ادامه دادند. اشرار حراستی سرمایه که از مشاهده خشم کارگران به هراس افتاده بودند با دستپاچگی کوشیدند

کارگران شرکت «سدید» در چهاردانگه ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند. آنان حتی عیدی و پاداش ماه‌های آخر سال قبل را هم دریافت نکرده اند. سرمایه داران به بهانه‌های مختلف از پرداخت دستمزدهای آنان خودداری می‌کنند و به اعتراضات مستمر آن‌ها هیچ وقعی نمی‌گذارند. کارگران که از فشار سهمگین بدهکاری

اعتصاب کارگران شرکت تولید رادیاتور در سمنان

کارگران اعلام کرده اند که اعتصاب را تا دستیابی به همه مطالبات ادامه می‌دهند.
منبع: آژانس ایران خبر
۷ اردیبهشت ۸۸

کارگران ۳ روز است که آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. سرمایه داران و دولت آن‌ها مطابق معمول در مقابل اعتصاب و موج عصبان کارگران متوسل به تهدید شده اند. سرمایه دار گفته است که حاضر به پرداخت دستمزدها نیست و اداره کار دولت سرمایه کارگران را تهدید به اخراج کرده است.

کارگران تولید رادیاتور کارخانجات خودروسازی هادی سمنان از ماه اسفند تا حال دستمزدها، عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند. آنان به همین دلیل و به دنبال بی نتیجه ماندن تمامی اعتراضات چند ماهه شان تصمیم به اعتصاب گرفته و چرخ تولید و کار را به طور کامل متوقف کرده اند. اعتصاب

اعتصاب و تظاهرات کارگران صنایع مخابراتی شیراز

۶ ماهه، پاداش وعیدی خود و خلع ید از سهامداران کارخانه هستند.
منبع: خبرگزاری فارس
۷ اردیبهشت ۸۸

باز زده اند. ۴۰۰ کارگر با شروع اعتصاب و تعطیل کار، محیط کارخانه را به سوی میدان «پیام» شیراز ترک گفتند. آنان در این میدان دست به تظاهرات و تشکیل اجتماع زدند. کارگران خواستار دریافت فوری حقوق معوقه

بیش از ۴۰۰ کارگر صنایع مخابراتی شیراز اعتصاب کرده و کل کار و تولید را متوقف ساخته اند. کارگران ۶ ماه است که موفق به دریافت دستمزدهای خود نشده اند. سرمایه داران از پرداخت عیدی و پاداش آنان نیز سر

اعتصاب مستقل کارگران ولو در شهر اُمئو سوئد

تولید به ولو داده ام. در این مدت خود را فرسودم تا خط جدید جوشکاری به راه افتاد. اینک همزنجیرانم را اخراج کرده اند و خود مجبورم بسیار سخت تر و طاقت فرساتر کار کنم. این چیز دیگری غیر از بردگی مدرن نیست. خیلی‌ها شکایت می‌کنند و برخی هنوز خشم خود را فرو می‌خورند. (نقل به مضمون) کارگر مزبور در مورد اعتصاب می‌گوید: اعتصاب برای من اعتراض علیه تدبیر و سیاست صاحبان و مدیران ولو است. سیاستی که سلاخی کامل ما کارگران را نشانه گرفته است. من با این اعتصاب نمی‌خواهم فقط شغل خودم را حفظ کنم. می‌خواهم سرمایه داران از انتقال سرمایه هایشان به جاهای دیگر منصرف

اساس با هر نوع مبارزه و اعتراض و اعتصاب علیه اخراج‌ها مخالف است.
صبح روز پنجشنبه اعلامیه‌هایی در کارخانه پخش شد. صادر کنندگان اعلامیه از همه همزنجیران خویش می‌خواستند که در وسط روز برای یک و ساعت نیم کل روند کار و تولید را متوقف سازند و همگی دست به اعتصاب بزنند. این فراخوان بی‌درنگ با استقبال همه کارگران بخش و بخش‌های دیگر کارخانه مواجه شد. ظهر همان روز پیشنهاد اعتصاب جامه عمل به خود پوشید.

یکی از کارگران شرکت کننده دراعتصاب می‌گوید: من ۸ سال زندگی‌ام را از طریق کار و

روز پنجشنبه ۲۳ آوریل کارگران یکی از سه قسمت کارخانه ولو (Volvo) در شهر اُمئو سوئد اعتصاب کردند. تصمیم برای شروع این اعتصاب از سوی خود توده‌های کارگر، با رأی جمعی و دخالت فعال همه آنان، بدون توافق دیوان‌سالاری اتحادیه‌ای و به رغم مخالفت سران اتحادیه گرفته شده است. اتحادیه کارگری و سرمایه داران این نوع اعتصابات را «اعتصاب وحشی» می‌خوانند!! اعتصاب در اعتراض به بیکارسازی‌های اخیر و اخراج فوج کارگران توسط صاحبان ولو آغاز شد. اتحادیه کارگری سوئد در برنامه ریزی این اخراج‌ها گام به گام یار و یاور و مشیر و مشار سرمایه داران بوده است و درست بر همین

شوند. شرکت فقط سود و پول را درک می کند(نقل به مضمون).

این اعتصاب اولین اعتصاب مستقل یا به قول سرمایه داران و اتحادیه کارگری "وحشی" علیه

بیکارسازی های کارگران از پاییز گذشته تا حال است. رسانه های سووند در مقابل این اعتصاب عموماً دست به توطئه سکوت زده اند.

آن ها بسیار حساب شده از درج خبر اعتصاب و حوادث مربوط به آن خودداری کرده اند.
آوریل ۲۰۰۹

نقد گذشته را به مشعل راه آینده تبدیل کنیم!

(به مناسبت اول ماه مه - ۳)

و پیروزمندانه لباس عمل پوشانند. کارخانه را تصرف کردند و در درون آن دست به اعتصاب غذا زدند. همزمان شمار کثیر همزنجیران آن ها همراه همه افراد خانواده خویش از کودک تا پیر و جوان در سطح شهر با ستایش اقدام شجاعانه کارگران ریسندگی و با اعلام حمایت از تصرف کارخانه توسط آنان شروع به راه پیمایی کردند. جنگی واقعی میان سرمایه داران و دولت در یک سو و کارگران ریسندگی و همزنجیران آن ها در سوی دیگر درگرفت و لحظه به لحظه بر دامنه اشتعال آن افزوده شد. فرماندار شهر و سایر عمال دولتی سخت به وحشت افتادند و در هراس از موج طغیان کارگران و حمایت گسترده اهالی شهر از آن ها دست به کار چاره گری شدند. آنان اعلام کردند که کارخانه به کار خود ادامه خواهد داد، حکم تعطیل الغا می گردد و همه کارگران به سر کار باز خواهند گشت. انتشار اطلاعیه فرمانداری شهر پایان تصرف کارخانه را به دنبال آورد. اما در فردای آن روز سرمایه داران از گشایش مجدد محیط کار سر باز زدند. سرسختی و لجاجت صاحبان سرمایه این بار آتش خشم و قهر کارگران را بیش از پیش شعله ور ساخت. آنان مجدداً وارد کارزار شدند و از توده همزنجیر خویش کمک خواستند. کارگران مراکز مختلف کار بدون درنگ به صف همسرنوشتان خویش پیوستند. شهر سمنان مجدداً به میدان جنگ میان کارگران و سرمایه داران تبدیل شد. ارتش شاه و دولت مصدق بر روی جمعیت کثیر کارگران آتش گشود. ۵ کارگر جان خویش را از دست دادند و بیش از ۲۰ کارگر جراحت های سبک یا سنگین برداشتند. خبر تهاجم وحشیانه نیروی سرکوب به صفوف معترض کارگران و کشتار توده های کارگر در یک چشم به هم زدن توسط کارگران شهر به کارگران سایر شهرها و مناطق ایران گزارش شد. کارگران در همه جا برای اعلام همبستگی با همزنجیران خویش به جوش و خروش افتادند و برای حمایت همه جانبه از آنان اعلام آمادگی کردند. در شهر تهران شمار قابل توجهی از کارگران کارخانه چیت سازی پس از شور و مشورت با کارگران سایر مراکز کار به نمایندگی از کل کارگران شهر راهی سمنان شدند تا به کارزار وسیع آنان علیه سرمایه داران بپیوندند. صف آرای نیرومند و متحد و پر عظمت و سراسری کارگران در تداوم خود سرمایه داران و دولت را غرق وحشت کرد. طولی نکشید که آنان بسیار زبونانه عقب نشستند، تعطیل کارخانه به طور کامل منتفی شد و همه کارگران به سر کار خود بازگشتند.

آنچه گفتیم فقط نمونه ای از شور مبارزه، همبستگی و همپیوندی محکم طبقاتی، آمادگی برای اعمال قدرت، روحیه تعرض، توان مقابله با مشکلات و مسائل دیگر مبارزه طبقاتی در ۵۷ سال پیش بود. رویداد سمنان در تاریخ جنبش ما به هیچ وجه یک استثنا نیست. ما از این نوع حوادث خواه در گذشته دورتر و خواه در سال های بعد آن نسبتاً زیاد داشته ایم که در این جا نیازی به شرح آن ها نمی بینیم. بی تردید، حتی در آن زمان ها نیز مبارزه ما معایب و نقایص بسیاری داشته است که در جای خود باید بررسی شوند. اما در این واقعیت نباید تردید کرد که مبارزه ما نسبت به آن زمان ها دچار عقبگرد و پسرفت شده است. سؤال اساسی این است که چرا امروز مثل سابق عمل نمی کنیم؟ چرا جنبش ما به رغم جمعیت چند ده برابری و موقعیت صدها برابر عظیم تر آن، توانایی چنان کارزارهای پرعظمتی را در خود نمی بیند؟ وضعیت روز طبقه ما از لحاظ صف آرای متحد و پیوند طبقاتی و آمادگی

گفتیم که آستانه روز جهانی کارگر را به فرصتی برای مرور کارنامه جنبش خویش، درس آموزی از گذشته و تدارک نیرومندتر نیرو برای ادامه مبارزه ضد سرمایه داری تبدیل کنیم. این کاری است که همیشه و هر لحظه باید انجام دهیم، اما اول ماه مه هر سال می تواند نقش مناسبی ویژه را در این گنر داشته باشد. پیشتر توضیح دادیم که به طور عام و در سطح بین المللی در طول یک قرن و چند دهه پشت سر، بر ما، طبقه ما و جنبش ما چه رفته است. در اینجا به طور خاص کارنامه پیکار طبقه کارگر ایران را در طول چند دهه اخیر مرور می کنیم. ما امروز از نظر کثرت نفوس و از آن مهم تر و بسیار اساسی تر، به لحاظ مکان خاص اجتماعی در کل اقتصاد و کار و تولید و آنچه نام جامعه بر آن اطلاق می گردد، در قیاس با ۵۰ سال پیش بسیار عظیم تر و تعیین کننده تر و صاحب نقش تریم. در آن زمان شمار کارخانه ها و مراکز کار حتی به ۵ درصد امروز هم نمی رسید، محصول سالانه کار و تولید ما به طور قطع از ۵ درصد زمان حال بسیار کمتر بود. آمار کل نفوس جمعیتی توده های طبقه ما از ۳ تا ۴ میلیون تجاوز نمی کرد و در قیاس با وضعیت کنونی زیر ۷ تا ۸٪ قرار داشت. وضع ما چنین بود. اما شاید باور نکنید که در غالب موارد بسیار دخالتگرتر، نیرومندتر، تهاجمی تر و تعرضی تر وارد میدان کارزار می شدیم. در این زمینه به یک مورد معین و کاملاً ملموس اشاره می کنیم. ۵۷ سال پیش سرمایه داران صاحب کارخانه ریسندگی سمنان کارخانه را تعطیل و همه کارگران را اخراج کردند. خبر اخراج ها، موجی از نارضایی و انزجار و نفرت نسبت به اقدام صاحبان سرمایه را در میان کارگران دامن زد. همه دست به اعتراض زدند و از کارفرمایان خواستند که تصمیم خویش دائر بر تعطیل کارخانه را منتفی کنند و از اخراج کارگران خودداری ورزند. سرمایه داران مطابق معمول از توجه به حرف های کارگران و پذیرش خواست آنان امتناع کردند. کارگران بی درنگ اعلام کردند که در مقابل این جنایت دست به مقاومت خواهند زد و استعمارگران خودکامه سرمایه دار را از تصمیم خویش پشیمان خواهند ساخت. آنان به طور فعال وارد کارزار شدند، سراغ همزنجیران خویش، کارگران بازار و بخش تجارت و فروشگاه ها، کارگران مزارع و بخش کشاورزی، معلمان، کارگران ساختمان و همه لایه های دیگر طبقه خود رفتند. فراخوان طلب حمایت کارگران ریسندگی به سرعت با استقبال وسیع و پرشور همه کارگران شهر مواجه شد. مراکز مختلف کار و تولید در پشتیبانی از مبارزات آنان تعطیل شد. توده های کارگر در شکل یک نیروی مؤثر و نیرومند طبقاتی پا به میدان نهادند و از همه سو سرمایه داران و دولت حامی آن ها را زیر فشار قرار دادند. همه فریاد زدند که تصمیم صاحبان سرمایه برای تعطیل کارخانه باید الغا گردد و همه کارگران ریسندگی به سر کار خویش بازگردند. سرمایه داران در مقابل موج طغیان و خشم و عصیان توده های کارگر متوسل به زور شدند و به رسم معمول نیروی قهر و سرکوب خویش را که در این زمان از پلیس و ژاندارم و نیروی ارتش شاه و دولت مصدق تشکیل می شد برای درهم کوبیدن مقاومت کارگران به صف کردند. ارتش کارخانه را در محاصره گرفت و کوشید تا به زور کارگران را از محیط کارگاه ها خارج سازد. کشمکش شعله ورتر و شعله ورتر شد. کارگران با تکیه بر قدرت متحد و مصمم و استوار توده های همزنجیر خویش تصمیم به تصرف کارخانه گرفتند. آنان عزم جزم و اراده آهنین خود را بسیار سریع

تعرض و اعمال قدرت در قیاس با آن روز بسیار اسفبار و دردآور است. امروز ما را هزار هزار از کارخانه ها بیرون می ریزند. هیچ همزنجیر شاغل ما در کارخانه بغل دستی علیه این جنایت فریاد نمی زند، برای دفاع از ما به فکر تدارک کارزار جمعی نمی افتد و اخراج ما را تیشه ای بر پیکر زندگی و مبارزه و کل هستی طبقه خویش نمی بیند. از این بدتر، ما خیل عظیم اخراج شدگان جسارت رجوع به توده عظیم همسرنوشت خویش و طلب حمایت از آن ها را به خود نمی دهیم. انگار که اصلاً با هم هیچ پیوندی نداریم. انگار نه انگار که بافت های پیوسته همخون و همپوست و هم استخوان و هم شریان یک بدن واحد طبقاتی هستیم. انگار نه انگار که ما یک طبقه اجتماعی واحد هستیم و هر تعرض سرمایه به هر فرد و هر بخش از ما تعرضی به کل ما و معیشت و زندگی اجتماعی و آینده و سرنوشت همه ما است. به همین چند سال اخیر نگاه کنیم. چند میلیون از افراد شاغل ما را بیرون انداختند. کارگر نفت و آب و برق و حمل و نقل و ساختمان و معلم مدرسه و پرستار بیمارستان در منتهای بی تفاوتی به کار خویش ادامه دادند. در هیچ کجا هیچ گفتگویی برای سازماندهی یک اعتصاب علیه جنایت اخراج ما به راه نیفتاد. از این وحشتناک تر، ما کارگران اخراجی ۵۰۰ کارخانه تعطیل شده به سراغ هم نشناختیم تا دردهای مشترک خویش را با هم فریاد زنیم و به طور متحد در صدد چاره برآییم. زنان طبقه ما زیر شلاق تشدید استثمار و سیاحت بی عنان سرمایه برای یافتن لقمه ای نان مجبور به تن فروشی می شوند، اما جمعیت عظیم توده های شاغل طبقه ما دست به کار هیچ کارزار سازمان یافته جمعی و طبقاتی علیه این ستم سرمایه داری نمی شوند. کودکان خانواده های طبقه ما به رفت بارترین شکلی مجبور به کارتن خوابی در حاشیه خیابان ها می شوند یا در سیاهچال های نور تولید سود سرمایه از هستی ساقط می گردند، اما اعتراض علیه این فاجعه انسانی به موضوع پیکار متحد و سراسری طبقه ما تبدیل نمی شود. پیداست که در این زمینه نیز می توان دنیایی بحث کرد. اما سؤال مهم و سرنوشت ساز یا جدی ترین و سرنوشت سازترین سؤال برای ما این است که چرا دچار این وضعیت شده ایم؟ چرا در ۵۷ سال پیش در آن سطح نازل نقش طبقه مان در روند کار و تولید اجتماعی روز جامعه، کارزارهایی چنان عظیم راه می انداختیم، گسترده ترین شورش ها و خیزش ها را سازمان می دادیم، بسیار نیرومند و امیدوار و جسور و چاره گر وارد میدان ستیز می شدیم، کارخانه تصرف می کردیم، بخش های پراکنده طبقه مان همچون تنی واحد در حمایت از همدیگر به صف می شد، سرمایه داران را از کارخانه بیرون می راندیم، خیابان های شهر را سنگر جنگی واحد علیه سرمایه داران می کردیم، ارتش، پلیس و نیروی سرکوب را عقب می راندیم، از شهرهای دور با تدارک لازم به یاری همزنجبران خویش می شتافتیم، همه این کارها را می کردیم ولی امروز هیچ کدام از این کارها را نمی کنیم و بدبختانه تا به آن حد نمی کنیم که انگار اساساً این نوع کارها، این شکل مبارزه کردن ها، این سطح هبستگی ها و همدلی ها، کار طبقه ما نیست!! در بحث قبلی بر اهمیت یافتن رمز و راز پسرگردها و شکست ها و قهقرا رفتن ها بسیار تأکید کردیم و در این جا باز هم تأکید می کنیم. خیلی ها بسیار ساده از کنار این مهم رد می شوند، افراد یا محافل و گروه های زیادی در به اصطلاح تحلیل این پسررفت ها و تغییرات به گذاشتن انگشت بر نقش دیکتاتوری و قهر و سرکوب عریان سرمایه بسنده می کنند. جماعتی فوری بحث حاضر و آماده دوره های اعتلا و رکود و مانند این ها را پیش می کشند. اما واقعیت زحمت و عریان این است که هیچ کدام از این عوامل به تنهایی یا حتی در مجموع پاسخ واقعی سؤال را نمی دهند. در همان اعتصاب ۵۷ سال پیش کارگران ریسندگی سمنان نیز سرکوب شدیم. پنج کشته و ده ها زخمی بر جای نهادیم. در اعتصاب همزنجبران نفتگر خود در خوزستان بیش از ۴۰ کشته و صدها زخمی داشتیم. در هیچ کجا از تهاجمات و حشبانه نیروی سرکوب در امان نبودیم. دوره های اعتلا انقلابی نیز فصول جبری سیر نجومی منظومه خورشیدی نیستند، بلکه از بطن حدت پایی مبارزه طبقاتی و موقعیت تقابل میان طبقات متخاصم اجتماعی بیرون می آیند. ۳۰ سال است که سرمایه داران و طبقه سرمایه دار و دولت آن ها بار ناشی

یک بحران کوه پیکر اقتصادی را بر بند بند حیات ما سنگین ساخته است، توده های طبقه ما کل توان تحمل شرایط موجود را از دست داده اند و خواستار تغییر آن هستند. اگر بناست بلایی ها زیر فشار موج نارضایتی پائینی ها به جان هم افتند برای این کار ۳۰ سال دیر شده است. با همه این ها، در طول این سه دهه هر سال بیش از سال قبل به دخمه تاریک دفاع و اجبار سینه خیز تدافعی فروغلطیده ایم و در هیچ کجا هیچ نشانی از طلوع اختر اعتلای انقلابی کذائی برای منتظران ظهور آن به چشم نخورده است. به نظر ما صرف وجود خفقان و سرکوب یا بحث اعتلا و رکود و این قبیل حرف ها هیچ پاسخی به سوال بسیار اساسی بالا نمی دهد. باید به ریشه یابی دقیق طبقاتی موضوع پرداخت. باید عوامل واقعی شکست ها و سیر قهقرایی و عقب نشینی و پسررفت جنبش خود را جستجو کنیم و درس های حاصل آن را برای تغییر موقعیت روز جبهه پیکار ضدسرمایه داری خود به کار گیریم.

در بحث قبلی گفتیم که راز واقعی آنچه در سطح جهانی در طول این یک قرن و چند دهه بر جنبش طبقه ما رفته است، در جدایی بیش از پیش ما از روند کارزار واقعی و آگاهانه و افق دار و سازمان یافته و متحد ضدسرمایه داری نهفته است. این حکم کلی در مورد مبارزه طبقه کارگر ایران نیز صادق است. به نظر ما کلید درک درست مسئله در همین جاست. باید به کالبدشکافی هر چه ژرف تر همین نکته پردازیم. پرسش این است که چرا ما کارگران ایران بیش از پیش از مبارزه سازمان یافته و آگاهانه علیه سرمایه داری فاصله گرفته ایم؟ چرا حتی به صورت سابق با سرمایه داری مبارزه نمی کنیم؟ چرا سرمایه و دولت آن روز به روز قوی تر و ما روز به روز ضعیف تر شده ایم؟ در یک بررسی کلی، پاسخ این پرسش ها را باید در خود نظام سرمایه داری پیدا کنیم. به عبارت دیگر، بی هیچ تردیدی آن عاملی که ما را از مبارزه متشکل و افق دار علیه نظام سرمایه داری بازداشته و حتی نسبت به گذشته پس رانده است خود همین نظام است. درست است که رابطه اجتماعی سرمایه گورکن خود یعنی طبقه کارگر را نیز به وجود می آورد، اما این رابطه در عین حال به شیوه های مختلف مانع آن می شود که کارگران گور سرمایه داری را بکنند. سرمایه، کارگران را با قدرت خودشان بیگانه می کند. تمام هست و نیست جامعه را کارگران تولید می کنند، اما سرمایه چنان بلایی به سر کارگران می آورد که آنان این قدرت خود را نه تنها نمی بینند بلکه آن را دشمن خود تصور می کنند. سرمایه، کارگران را با کارشان بیگانه می سازد، به طوری که آنان از کارکردن گریزانند و فقط و فقط برای اجبار امرار معاش تن به کار می دهند. سرمایه، کارگران را به رقیب یکدیگر، به افرادی جدا از هم و پراکنده و حتی دشمن همدیگر تبدیل می کند و بدین سان آنان را ضعیف و ناتوان و بی قدرت می کند. سرمایه از طریق انبوه وسایل ارتباط جمعی خود کارگران را تحمیق می کند و دنیایی خرافه و وارونه پردازی را در ذهن آنان می کارد. سرمایه از طریق ماشین سرکوب یعنی دولت خود کارگران را سرکوب می کند و به خون می کشد. سرمایه همچنین با ایجاد تشکل های کارگری سرمایه مدار و احزاب اصلاح طلب راست و چپ مبارزه کارگران را به سازش می کشاند و بدین سان مانع مبارزه سازمان یافته و آگاهانه کارگران علیه سرمایه داری می شود. بنابراین، در یک کلام، عاملی که کارگران ایران را از مبارزه متشکل و افق دار علیه سرمایه بازداشته و آنان را حتی نسبت به گذشته عقب رانده خود سرمایه و دولت مدافع آن است.

اما سرمایه ای که تمام این کارها را با قدرت بی چون و چرا انجام می دهد یک واقعیت را اصلاً نمی تواند تغییر دهد و آن این است که تمام هست و نیست و قدرت بی چون و چرای خود را مدیون دشمن خویش یعنی طبقه کارگر است. و این همان پاشنه آشیل یا نقطه ضعف اساسی سرمایه است که ما کارگران باید آن را نشانه می گرفتیم و متاسفانه نگرفته ایم و به همین دلیل به این روز افتاده ایم. ندیدن این نقطه ضعف اساسی سرمایه و عدم هدف گیری ما برای یورش سازمان یافته به آن است که همین نقطه را به نقطه قوت سرمایه و نقطه ضعف ما تبدیل کرده است. به سخن دیگر، آنچه که می

توانست و می تواند نقطه ضعف سرمایه باشد نقطه قوت آن شده و، برعکس، آنچه که می توانست و می تواند نقطه قوت ما باشد نقطه ضعف ما شده است. ما باید عمیقاً این را درک کنیم که مبارزه ما در هر حال و در هر شرایط و هر سطحی باید بیانگر صف آرای قدرت ما علیه استثمار سرمایه داری، هجوم به شیرازه هستی سرمایه و روند تولید ارزش اضافی، تدارک حداکثر برای تنزل هر چه فاحش تر نرخ اضافه ارزش ما به نفع ارتقای هر چه عالی تر سطح معیشت و رفاه اجتماعی توده های طبقه مان باشد. در همان حال ما آحاد توده های کارگر باید سرمایه داری را هر چه عمیق تر بشناسیم و ابعاد استثمار و بی حقوقی و فروماندگی و ذلت و رقیبت و سلب آزادی و سقوط همه جانبه خود از هر نوع حق و حقوق انسانی در این نظام را خوب درک کنیم. باید پیوند میان تمامی مصائب و بدبختی و ادبار و نکبت روز خود با موجودیت سرمایه داری را به درستی تشخیص دهیم. جنبش ما باید در همان حال که علیه سرمایه تعرض می کند، در همان حال که برای کاهش هر چه ممکن نرخ اضافه ارزش ها و دستیابی به بالاترین سطح زندگی و رفاه اجتماعی طبقه مان می جنگد، آری درست در دل همین مبارزه و متصل به آن، بدون هیچ وقفه و تسامح، آگاهی کل آحاد طبقه مان را به تمامی چند و چون استثمار ما توسط سرمایه، کل بربریت سرمایه علیه ما و رابطه تمامی این ها با هم بالا و بالاتر ببرد. باید شناخت درست همه این موضوعات را به هستی آگاه ما، به ذهنیت بیدار و نوع فکر و دریافت و تشخیص طبقاتی ما میدل سازد. تنها در چنین مسیری است که می توانیم در هر گام آگاه تر و نیرومندتر به سرمایه تعرض کنیم. جنبش ما در همان حال باید یک دورنمای شفاف اجتماعی و طبقاتی را در پیش روی خود ببیند. ما باید بسیار عمیق درک کنیم که میان طبقه مان و نظام سرمایه داری هیچ منزلگاه انس و الفتی وجود ندارد. ما در یک جنگ همیشگی و سراسری هستیم و آتش بس ها برای هر دو طرف صرفاً و صرفاً جنبه اجبار و اضطراب دارد و نیاز تدارک قوای مؤثرتر برای پیکار نیرومندتر و کارسازتر است. همه این ها به علاوه افق شفاف آینده این جنگ باید به طور مستمر به صورت شریان حیات جنبش ما در تار و پود فکر و ذهن و احساس و درک آحاد توده های جنبش مان به جریان افتد. در همین راستا باید قدم به قدم سنگرهای توفنده تری علیه نظام سرمایه داری بر پا سازیم. باید قدرت بیشتری برای پیکار علیه سرمایه متمرکز کنیم. باید این قدرت را در جنگ روزمره اعمال کنیم و برای این کار باید راهکارهای لازم اعمال قدرت را کشف و بررسی کنیم و به کارگیریم. نکته بسیار مهم و تعیین کننده این است که کل این کارها را ما باید به صورت یک **جنبش** دنبال کنیم و تمامی آحاد جنبش ما باید در آن شریک و سهیم و ذینقش و دخالتگر باشند. جنبش ما باید میدان حضور مؤثر حداکثر آحاد طبقه، دانشگاه پربار و بسیار پرآموزش همه آحاد، محل دخالت و اثرگذاری خلاق همه آحاد و محیط رشد و شکوفایی و بالندگی طبقاتی بیشترین آحاد توده های طبقه مان باشد. مبارزه طبقاتی ضدسرمایه داری مبارزه ای است که همه این جوانب و وجوه را در خود به خوبی تضمین می کند. بدون پرداختن به همه این مسائل نمی توان یک جنبش واقعی زنده، بالنده، آگاه، افق دار و ضدسرمایه داری داشت و هنگامی که از سازمانیابی شورایی و سراسری ضدسرمایه داری خود صحبت می کنیم کل این موارد و همه شرایط و ملزومات دیگر پیوسته به آن، همه و همه در کنار هم ملحوظ می شوند و هر کدام از حداکثر اهمیت و نقش برخوردار می گردند. ضدسرمایه داری و شورایی متشکل شدن یا مبارزه کردن به طور واقعی جامع همه این جهات است و به تمامی این شرط و شروط و شاخص ها و اسرار و رموز به طور ریشه ای نظر دارد.

یک عامل مهم که می توانسته جنبش خودانگیخته ضدسرمایه داری ما را به سطح جنبش خودآگاهانه ضدسرمایه داری ارتقا دهد اما نه تنها این کار را نکرده بلکه تأثیری منفی نیز داشته است نقش پیشروان و فعالان این جنبش است. در همان ۵۷ سال پیش نیز، درست در شرایطی که آن کارزار عظیم را به راه می انداختیم به لحاظ تلاش نقشه مند برای احراز مبارزه سازمان یافته

و خودآگاهانه علیه سرمایه داری دچار فقر و ضعف بودیم. جنبش ما پیشروان و فعالانی داشته که تصمیم می گرفته اند و طبیعتاً هر کدام نقش مهمی را ایفا می کرده اند. این فعالان بخش های مختلف جنبش مان را به هم پیوند می زدند، نقشه مبارزه را می کشیدند و بسیاری کارها انجام می دادند. تا اینجا هیچ جای بحث و محل هیچ ایرادی نیست. وجود چنین مناسبات، شیوه های کار و مفصلبندی هایی امور کاملاً متعارف و طبیعی و الزامی جنبش ها از جمله جنبش ضدسرمایه داری طبقه ماست. معضل اساسی از اینجا شروع می شود که به طور معمول خود این فعالان در عین حال که افراد فعال و نافذ و آگاه جنبش ما بوده اند عناصر واقعی انداموار و اندرونی این جنبش نبوده اند. برعکس، آن ها به صورت عناصر سازمان یافته درون یک حزب، یک گروه و یک سازمان سیاسی ماوراء ما (اعم از راست و چپ یا مذهبی و غیرمذهبی) ایفای نقش می کرده اند. این فعالان بسیار بیش از آن که به فکر سازماندهی جنبش ما علیه سرمایه باشند به فکر گروه و سازمان و حزب متبوع خود بوده اند. هویت طبقاتی آنان تحت الشعاع هویت گروهی و حزبی شان قرار داشته است، به طوری که توده کارگران به جای آن که آنان را به عنوان فعال **کارگری** و نماینده خود بشناسند به عنوان عضو یا هوادار فلان حزب یا بهمان سازمان می شناخته اند. رابطه این پیشروان و فعالان با توده کارگران عملاً رابطه سلول های زنده یک اندام بالنده و توانا نبوده بلکه رابطه تصمیم گیرنده و مجری، سیاست گذار و سیاست پذیر، مرید و مراد و نوع این ها بوده است. آنان نه از نیازها و الزامات مبارزه جاری و بالفعل کارگران بلکه از نیازهای حزب و سازمان متبوعشان عزیمت می کرده اند. این اصل بسیار بدیهی را نادیده می گرفته اند که کارگران پیش از هر چیز برای امرار معاش خود مبارزه می کنند و همین مبارزه برای دستیابی به مطالبات پایه ای خود است که باید ضد سرمایه داری به پیش تازد و در سطوح بالاتر ضرورت کسب قدرت سیاسی را پیش روی خود قرار دهد. بی شک، جنبش کارگری باید با رهبری و حول هدف مبارزه با سرمایه داری و کسب قدرت سیاسی سازمان یابد. به عبارت دیگر، «بدنه» این جنبش باید «سر» داشته باشد. اما تمام مسئله این است که این «سر» چگونه باید ایجاد شود؟ با عزیمت پیشروان و فعالان از نیازهای «بدنه» و ارتقای مبارزه آن به سطوح بالاتر در جریان مبارزه برای برآوردن این نیازها یا با جذب این یا آن کارگر همعقیده و هم نظر برای درست کردن یک «سر» جدا از «بدنه» و سپس درخواست از توده کارگران برای پیوستن به این «سر» حزبی؟ کاری که پیشروان و فعالان کارگری به پیروی از گروه ها و احزاب متبوعشان کرده اند دومی بوده است نه اولی.

به دلایل بالا، ما در همان واقعه تصرف کارخانه ریسندگی سمنان و به طور کلی جنبش عظیم خود علیه سرمایه داری به رغم همه زمینه های موجود، دست به کار سازمانیابی شورایی و ضد سرمایه داری جنبش خود نبودیم، به امر تصرف کارخانه به عنوان یک راهکار مبارزه و یک شیوه مؤثر اعمال قدرت علیه سرمایه نگاه نمی کردیم. ما خواستار ادامه اشتغال خویش و جلوگیری از اخراج خود بودیم. این یک امر صد درصد واقعی است و باید چنین باشد، اما همین مبارزه برای جلوگیری از تعطیل کارخانه باید به عنوان یک حلقه پیوسته و انداموار کل زنجیره مبارزه ضدسرمایه داری جنبش مان مورد توجه جدی قرار می گرفت. جنبش ما، طبقه ما و توده های طبقه ما باید با پرچم ضدسرمایه داری حرکت می کرد و به هر جدال و جنگ خود با سرمایه داران به صورت یک جزء جدایی ناپذیر جنگ سراسری میان ما و نظام بردگی مزدی نظر می انداخت. تصرف کارخانه توسط ما باید علاوه بر تضمین امنیت شغلی گامی در اعمال قدرت متحد طبقاتی و سراسری علیه شالوده حیات سرمایه می شد. باید در جریان تحقق آن آگاهی ما نسبت به ابعاد استثمار خویش توسط سرمایه و اشکال بی کران توحش سرمایه علیه ما بالاتر و بالاتر می رفت. تصرف کارخانه یا هر شکل و هر عرصه دیگر پیکار باید قدرت دخالتگری فرد فرد توده های طبقه ما را بالا می برد. باید راهی باز می کرد که هر کارگر و هر فرد جنبش ما تمرین دخالتگری و

کسب توانایی و میدان داری و چاره پردازی بیشتر و بیشتر برای پیشبرد بهتر و مؤثر تر مبارزه ضد سرمایه داری کند. باید افق لغو کارمزدی را عیان تر در مقابل روی ما قرار می داد. تأکید می کنیم که بحث اصلاً بر سر یک رویداد مشخص جنبش ما در سمنان یا یک شهر دیگر ایران نیست. گفتگو پیرامون کل مبارزه طبقاتی ما و تمامی اجزاء و حلقه های پیوسته آن است. واقعیت این است که ما در گذشته چنین نکرده ایم و اکنون نیز چنین نمی کنیم. جنبش ما زیر فشار این کاستی ها و کمبودهای اساسی نتوانسته است موقعیت خود را به صورت یک نیروی مقتدر ضد سرمایه و دارای افق شفاف الغای کار مزدی محکم سازد. مبارزه طبقاتی ما به همین دلیل همواره به گونه ای بیش از حد ضعیف و معیوب و آسیب پذیر باقی مانده است. در همین راستا مدام طعمه چرب و نرم جنبش های دیگر شده ایم. در همان روزهایی که کارزاری به عظمت رویداد سمنان را راه می انداختیم اصلاً در تدارک تشکیل صف مستقل طبقاتی و سازمانیابی جنبش ضد کارمزدی خود نبودیم و از سنگر صف و جنبش و طبقه خود قلب سرمایه را نشانه نمی رفتیم. دائماً وظیفه پیشمرگی جریانات سیاسی ماورای خود را بازی می کردیم، جریاناتی که اصلاً از طبقه ما نبودند، بر عکس، به طبقه سرمایه دار تعلق داشتند و صدر و ذیل سیاست و مبارزه و تلاش آنان در رقابت و جدال با همتایان طبقاتی خودشان برای احراز نقش مسلط و مسلط تر در قدرت سیاسی و برنامه ریزی کار و تولید سرمایه داری و اعمال حاکمیت و قدرت سرمایه بر ما خلاصه می شد. ما به این جریانات می آویختیم، مبارزات روز ما به جای این که بر بستر بالندگی و آگاهی و سازمانیابی و انسجام و شفافیت هر چه بیشتر طبقاتی خود پیش رود، به جای این که گام به گام ما را نیرومندتر و متحدتر سازد، به جای این که در هر گام قدرت اثرگذاری آحاد ما در بخشیدن قدرت به جنبش طبقه مان را بالا برد، آری به جای همه این کارها به دار جریانات سیاسی متعلق به طبقه سرمایه دار آویزان می شد. فعالان جنبش ما به جای کازار واقعی ضد کار مزدی و ایفای نقش کارساز در انسجام و تشکل

و رشد و آموزش و بالندگی و آگاهی کل توده های طبقه مان همه جا عامل و سرپل حلق آویزی طبقه ما به دار همان احزاب سیاسی طبقه سرمایه دار می شدند. جنبش ما در مجادلات درونی میان بخش های مختلف سرمایه داران منحل می شد. ما هیچ استخوانبندی محکم و استوار ضد کارمزدی پیدا نمی کردیم. ضعیف و آسیب پذیر و فرتوت باقی می ماندیم. گام به گام و مرحله به مرحله این وضع را تکرار کردیم و ادامه دادیم. در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ دنیای مبارزه کردیم و همین مبارزات ما تمامی ملامت و مصالح و رگ و پی شروع جنبش عظیم نیمه دوم این دهه و وقوع انقلاب را تشکیل داد. اما تمامی همان کاستی ها و ضعف ها و فروماندگی بالا را به صورتی حادثتر و وخیم تر در خود حفظ کردیم و به همین دلیل یکباره کل جنبش خود، کل دنیای پیکار و اثرگذاری و کل انقلاب را به دردناک ترین شکلی باختیم و از دست دادیم. کارنامه جنبش ما بدبختانه ملامت از این کمبودها و کاستی ها و ضعف ها است. ما در هیچ دوره ای از شرایط آن دوره استفاده مؤثر و آگاه و سنجیده و برنامه ریزی شده برای استحکام و انسجام و سازمانیابی و رشد آگاهی طبقاتی جنبش خود نکرده ایم و به ناچار همه جا به محض شروع دوره های حادثتر سرکوب یکرست به صورت بسیار کوبنده ای تار و مار شده ایم و برای مدت ها حتی از همان خیزش های ساده روز خود نیز بازمانده ایم. همزنجیران! بیابید طلوع آفتاب اول ماه مه امسال را به زمینه ای برای کندوکاو هرچه عمیق تر در کاستی های اساسی جنبش خویش و سرآغاز تلاشی نو برای ترمیم و جبران این کاستی ها تبدیل کنیم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۸ اردیبهشت ۱۳۸۸

تظاهرات اعتراضی معلمان حق التدریسی

نه چند سال که چند دهه است به تحمل این شرایط مجبور شده اند. معلمانی که اینک برای سردادن فریاد اعتراض در مقابل مجلس اجتماع کرده اند همگی ۸ تا ۱۰ سال است که با همین شدت مورد استثمار سرمایه داران دولتی و دولت سرمایه داری قرار گرفته اند.

۶ اردیبهشت ۸۸

آنچه بر سر این معلمان می رود نمونه تمام عیار دنیای درندگی ها و توحش هایی است که سرمایه بر ضعیف ترین و فقیرترین بخش طبقه کارگر ایران اعمال می کند. یکی از این معلمان می گوید: « با حقوق ماهانه ۱۰۰ هزار تومان تدریس می کنیم و در روزهای تعطیل و تابستان ها هم هیچ حقوقی دریافت نمی کنیم...» چند صد هزار کارگر معلم این گونه و در این سطح از شدت و وخامت و هولناکی توسط سرمایه استثمار می شوند. بسیاری از این کارگران

حدود ۳۰ کارگر معلم حق التدریسی (کارگران آموزشی محکوم به کار در چهارچوب قراردادهای جنایتکارانه موقت کار) از مناطق مختلف کشور و غالباً از استان های لرستان و کرمانشاه به نمایندگی از همه زنجیران خویش در این استان ها راهی تهران شده اند. آنان اقدام به این کار کرده اند تا در مقابل نهادهای دولتی نظام سرمایه داری از جمله مجلس سرمایه علیه وضعیت دردناک و مرگ آور زندگی و شرایط کار خود فریاد اعتراض سر دهند.

شرکت وزنه تعطیل شد

کارخانجات وابسته به این مجتمع صنعتی در اکثر موارد بی نتیجه مانده است. پرداخت هدایا و کمک های نقدی و غیرنقدی به اداره کار و امور اجتماعی کرج و هشتگرد، آن هم به صورت علنی موجب شده است که کارگران اخراجی امید چندانی به احقاق حقوق خود از طرف نهادهای دولتی نداشته باشند.

شرکت های مارال، مایان، ایران بلغار، اف ام و وزنه دست به اخراج گسترده پرسنل قدیمی این شرکت ها زده است. ماموت بیش از ۵۰۰۰ کارگر قراردادی در داخل ایران دارد که اکثر این کارگران ساکن ساوجبلاغ کرج می باشند. نفوذ این شرکت در منطقه به اندازه ای است که شکایت کارگران از شرایط سخت کار در

شرکت وزنه تحت پوشش بانک ملت با سابقه ای بیش از ۴۰ سال فعالیت صنعتی، پس از ۲ سال واگذاری به مجتمع صنعتی ماموت، با اخراج ۲۳۰ کارگر رسمی و قراردادی تعطیل گردید. مجتمع صنعتی ماموت یکی از قدرتمندترین سرمایه داران بخش خصوصی است که در چند سال اخیر با اقدام به خرید

که این ایرادات به آسانی و با اصلاح شرایط تولیدی قابل حل بوده اند.

کارگران اخراجی کارخانه وزنه

شده است. مجتمع صنعتی ماموت پس از گذشت دو سال از این واگذاری با استناد به اخطارهای محیط زیست اقدام به اخراج کارگران و متوقف کردن فعالیت کارخانه نموده است. در صورتی

لازم به ذکر است که واگذاری شرکت وزنه به ماموت در حالی انجام شده که برای این معامله هیچ مزایده ای صورت نگرفته و شرکت ۶۰ میلیاردی وزنه به قیمت ۶ میلیارد، آن هم به صورت غیرقانونی به شرکت ماموت فروخته

اخراج ۵۴ هزار کارگر راه آهن در روسیه

آن ها را بیکار می سازند، به کویر خشک بیکاری پرتاب می کنند و تسلیم تیغ گرسنگی و مرگ می نمایند. فاجعه به همان اندازه جنایتکارانه و هولناک دیگر هم این است که درست در متن این بیکارسازی ها و گرسنه سازی ها دنیایی وارونه بافی و دروغ را نیز به آنان تحویل می دهند. فاجعه موحش تر و جنایت آمیز در همان حال این است که همراه همین اخراج ها و بیکارسازی ها، سیلاب ذلت و حقارت و توهین و سلب هر نوع اعتبار و ارزش انسانی را نیز از همه سو بر تار و پود هستی کارگران سرریز می سازند. این که چرا چنین است، چرا سرمایه داران به خود اجازه می دهند به همه این جنایات دست زنند، چرا آنان با فراغ بال میلیون میلیون توده های ما را به باتلاق بیکاری و گرسنگی می ریزند، چرا به خود حق می دهند که ما را تحقیر کنند، چرا خود را مالک بی چون و چرای کل هست و نیست ما تلقی می کنند، چرا در ارتکاب تمامی این سببیت ها و درندگی هیچ هراسی به دل راه نمی دهند، پاسخ بسیار روشن است. آنان قدرت دارند و احساس قدرت و امنیت می کنند. آنان جنبش طبقه ما را در ضعیف ترین و فرومانده ترین موقعیت می بینند. آنان دولت دارند، نیروی سرکوب دارند، سلاح قانون و نظم و نهادهای عظیم اختاپوسی وارونه پردازی و مسخ و تمحیق و همه چیز دارند. از همه این ها که بگذریم، آنان اتحادیه های کارگری و کل رفرمیسم راست و چپ را دارند، آنان محصول سالیان دراز جنبش اتحادیه ای را به صورت سلاحی کارساز علیه ما در دست خویش دارند. آنان به روشنی می بینند که چگونه اتحادیه ها در طول بیش از صد سال آتشفشان سرکش جنبش ضدسرمایه داری ما را به گورستان تبدیل کرده اند. سرمایه داران از جانب جنبش ما احساس خطر نمی کنند و درست به همین دلیل این گونه گستاخ و وقیح و درنده هر نوع جنایت و توحشی را علیه ما اعمال می کنند. چگونه می توان از این وضعیت بیرون آمد؟ این نیز سوالی است که پاسخ آن بسیار روشن است. مادام که بیرق بیکار ضدسرمایه داری بر سر بند بند جنبش ما به اهتزاز در نیاید، تا زمانی که هر جنب و جوش توده های طبقه ما و هر اعتراض هر بخش همزنجیران ماعلیه استثمار و هر نوع بی حقوقی و ستمکشی رویکرد شفاف ضد سرمایه داری احراز نکند، ما در همین منجلاب دست و پا خواهیم زد. برای خروج از این وضعیت باید ضدسرمایه داری و شورایی و سراسری مبارزه کنیم، باید راهکارهای درست اعمال قدرت علیه سرمایه را اتخاذ کنیم و باید اعمال قدرت متحد و سازمان یافته شورایی و سراسری را دستور کار مبارزات روز توده های طبقه خود سازیم.

منبع: سایت اینترنتی «جنبش آزاد اتحادیه ای نروژ»

آوریل ۲۰۰۹

امروز یکشنبه ۲۶ آوریل آقای ولادیمیر جاکونین رئیس راه آهن سراسری روسیه در یک مصاحبه مطبوعاتی حکم اخراج ۵۴ هزار کارگر بخش راه آهن را صادر کرد. راه آهن روسیه با بیش از یک میلیون و دویست هزار کارگر بزرگ ترین مرکز کار و تولید این کشور محسوب می شود. آقای جاکونین در بخشی از سخنانش گفت: «ما از آغاز سال جاری تا این لحظه بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ضرر کرده ایم و جبران بخشی از این ضررها را تنها با اخراج کارگران ممکن می دانیم!! او ادامه داد که در حال حاضر بیش از هفت میلیارد دلار بدهکار دولت و بانک ها هستیم و اگر این روند ادامه پیدا کند ناچاریم در آینده تعداد بیشتری از کارگران را اخراج کنیم. فعلاً تصمیم گرفته ایم تنها کارگران مسن و جوانانی را که فقط ۲ سال است در این بخش کار می کنند اخراج کنیم. او در پایان سخنان خود گفت بحران اقتصادی جهانی سرمایه داری به کشور ما نیز رسیده است و ما باید شاهد بیکار شدن کارگران بخش های دیگر کار و تولید نیز باشیم. حرف های این سرمایه دولتی خونخوار حاکی است که امواج غول پیکر بیکارسازی ها وضعیت اشتغال توده های کارگر روسیه را در سطحی بسیار وسیع و وحشتناک تهدید می کند. دولت سرمایه داری روسیه هیچ وقت حاضر نبوده است که آمار رسمی بیکاران را اعلام کند، اما گزارش ها از وجود یک جمعیت ۱۰ تا ۱۲ میلیونی کارگران بیکار در کشور خبر می دهند. این گزارش ها در همان حال فاش می سازند که در طول سال جاری ۳ تا ۴ میلیون بیکار دیگر به جمعیت بالا افزوده خواهد شد. این روزها سرمایه داران در سراسر جهان با توپ پر، بسیار مقتدر و حق به جانب!! و طلبکارانه!! از گریزناپذیری اخراج میلیون ها کارگر سخن می رانند!! آنان در اعلام این خبرها تمامی مرزهای وقاحت و توحش را پشت سر می گذارند. به صورت بسیار بیشرمانه ای از محق بودن خویش و غیرقابل اجتناب بودن اخراج ها گفتگو می کنند. چنین وانمود می نمایند که گویا بحران بیکار است از شکم گرسنه توده های کارگر متولد شده است!! انگار نه انگار که بحران پدیده ذاتی و اندرونی و گریزناپذیر شیوه تولید سرمایه داری است. انگار نه انگار که بحران از بطن رابطه کثیف و شوم تولید ارزش اضافی سرچشمه می گیرد. سرمایه داران در نهایت ددمنشی و بیشرمی چنین وانمود می کنند که گویا تا امروز از خزانه غیب آبا و اجدادی خود از طریق دادن صدقه و نفقه و خمس و زکات ارتزاق کارگران را تضمین می کرده اند و اکنون در اثر وقوع صاعقه آسمانی بحران توانایی این امر خیر و ثواب و فداکاری و ایثار را از دست داده اند!! آنان چنین سخن می رانند که انگار نه انگار کل سرمایه های آنان و کل سرمایه های موجود جهان یکسره محصول کار و استثمار توده های کارگر است. فاجعه روز دامنگیر طبقه کارگر بین المللی فقط این نیست که صاحبان سرمایه و دولت های سرمایه داری میلیون میلیون نفوس شاغل

اجتماع اعتراضی کارگران فرانسوی و آلمانی در هانوفر

سهامداران کنسرن تولید لاستیک که نشست سالانه خود را در هانوفر برگزار می کردند، برسانند.

۱۱ مارس ۲۰۰۹ رئیس کنسرن که مرکز آن در شهر هانوفر آلمان قرار دارد اعلام کرد که این کنسرن قصد بستن دو کارگاه تولید کننده لاستیک اتومبیل و

صبح جمعه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ فریاد " همه باهم، همه باهم" کارگران فرانسوی شهر هانوفر آلمان را به لرزه در آورد. ۱۳۰۰ کارگر کنسرتینتال با اتوبوس و یک قطار ویژه از فرانسه به هانوفر آمدند تا همراه با کارگران آلمانی کنسرتینتال و سه نماینده کارگران کنسرتینتال مکزیک فریاد اعتراض خود علیه بستن کارخانه ها و بیکاری قریب الوقوع شان را به گوش کارفرمایان و

کامیون در اشتونک هانوفر و کلاریوی فرانسه را دارد. بستن کارگاه تولیدی اشتونک از سال ۲۰۰۶ مطرح شده بود و کارگران اعتراضات زیادی را سازمان داده بودند که در سال ۲۰۰۷ منجر به توافق اتحادیه IG BCE (معدن، شیمی، غذایی) با مدیریت برای تعویق بستن کارگاه تا سال ۲۰۱۲ شده بود. در حقیقت بستن و بیکار سازی با توافق به تاخیر افتاده بود. بعد از اعلام خبر فوق کارگران فرانسوی به مدت ۵ هفته کوشش کردند تا وقت ملاقاتی با وزیر اقتصاد برای مذاکره در باره آن بگیرند اما به آن ها پاسخی داده نشد. آن ها علیه کنسرن به دادگاه شکایت کردند. اما در ۲۱ آوریل ۲۰۰۹ دادگاه شکایت کارگران را در مورد جلوگیری از بستن کارخانه مردود اعلام کرد و حق را به کارفرما داد. در یک طرف یعنی جانب سرمایه دار، رئیس شرکت در هانوفر از تصمیم دادگاه تشکر کرد و گفت این نشان داد که ما به شیوه قانونی عمل می کنیم. در طرف دیگر، کارگران بعد از آگاهی از حکم دادگاه خشمگین به یک ساختمان اداری کارخانه هجوم بردند و صدها تن از کارمندان را به اتاق ریاست هل دادند و اداره را به هم ریختند و سپس جلوی در کارخانه را سد کردند و لاستیکی را به آتش کشیدند. اما این بار بدون ۵ هفته انتظار جناب نخست وزیر فیلون بلافاصله حرکت کارگران را محکوم کرد و گفت تخریب یک اداره قابل پذیرش نیست و از نظر قانونی تعقیب خواهد شد. اما نگفت چرا تخریب زندگی ۱۲۰۰ کارگر و خانواده آن ها قابل پذیرش است و چرا تعقیب قانونی نخواهد شد. هم چنین در موردی دیگر وقتی رئیس کارخانه برای صحبت با کارگران به پشت میز سخنرانی آمد با پر تباب اشیاء مختلف از طرف کارگران به طرف خود مواجه شد به طوری که فرار را برقرار ترجیح داد و در حالی که خم شده می دوید سریع سالن را ترک گفت.

ساعت ۸ صبح همراه کارگران فرانسوی که با اتوبوس آمده بودند و از فریاد و صدای صوتشان ترمینال اصلی قطار شهر هانوفر می لرزید در انتظار بقیه کارگران بودیم که با قطار می آمدند. صدا به صدا نمی رسید و هرچه می خواستم بپرسم که چرا به جای صوت زدن خواسته های خود را بیان نمی کنند و چرا فریاد نمی زنند و مشت خود را به علامت مبارزه نشان نمی دهند صدایم به جایی نمی رسید. کارگران آلمانی که به استقبال کارگران فرانسوی آمده بودند نظاره گر بودند. گاه فریاد «همه باهم» فرانسوی ها و پاسخ همبستگی می آمد که یکباره شوری ایجاد می کرد. اعلامیه های مختلفی به دو زبان پخش می شد. اما هیچ کدام از اتحادیه های دیگر اعلام همبستگی نکرده بودند جز اتحادیه آناشیشستی که هیات نمایندگانی را از فرانسه و از هانوفر فرستاده بود. حزب چپ آلمان نیز اعلام همبستگی کرده بود. پلیس در لباس های مختلف و با مترجمان بسیار همه را زیر نظر داشت. آن ها نیز از ترس سرایت جرات کارگران فرانسوی به کارگران آلمانی اعلامیه ای را خطاب به کارگران فرانسوی و سایرین تهیه و در جمع پخش می کردند. در این اعلامیه حقوق انجام تظاهرات در آلمان ذکر شده و خطاب به کارگران فرانسوی آمده بود که " اصلا فکر نکنید که در فرانسه و در خانه خود هستید و هرکاری بخواهید می توانید بکنید!" آن ها از قبل با اتحادیه وارد مذاکره شده و برای نوع برگزاری راه پیمایی و تظاهرات به توافق رسیده بودند و در اعلامیه نیز آمده بود که ما با اتحادیه روی مواردی به توافق رسیده ایم و مسئولیت درست برگزار شدن تظاهرات با اتحادیه است و آن ها باید پاسخگو باشند و پلیس در صورت عدم رعایت موارد توافق حق دستگیری دارد. سخنگوی اتحادیه شیمی نیز گفت که ما با توجه به حضور کارگران فرانسوی همه تمهیدات لازم را به کار گرفته ایم که واقعه ای رخ ندهد. پلیس و روزنامه ها از قبل سعی کردند در مورد "فرانسویان غیرقابل کنترل" ترس ایجاد کنند و افکار عمومی را علیه آنان تحریک نمایند.

ساعت نه قطار حامل کارگران از فرانسه با اسکورت پلیس فرانسوی برای همبستگی با برادران و خواهران پلیس آلمانی خود! و در میان غریب شادی استقبال کنندگان به ایستگاه رسید. این شاید لحظه ای تاریخی در سرنوشت همبستگی کارگری بین المللی بود و چه خوب می شد که اگر این همبستگی نه

فقط در مورد درد مشترک بیکاری بلکه علیه درد مشترک بردگی سرمایه صورت می گرفت. مشت های گره کرده کارگران تازه از راه رسیده از بالای پله ها نمادی از مبارزه کارگری زنده علیه سرمایه بود. آن ها با شور و شوق کارگران آلمانی را در آغوش می کشیدند و این طرفی ها غافلگیر شده بودند. ساعت ۹:۳۰ دقیقه جمعیت به طرف ساختمان کنگره ایالت نیدرساکسن که نشست سالانه سهامداران در آن برگزار می شد به حرکت در آمد. اکثر کارگران فرانسوی کاپشن سیاه رنگی با آرم کنتیننتال به تن داشتند و شعارهایی را نیز به زبان فرانسه به آن چسبانده بودند و آرام و قرار نداشتند. آن ها در صف جلو و عده ای نیز در میان سایر گروه های راه پیمای حرکت می کردند. آن ها به فرانسه شعار می دادند و تنها کلمه سولیداریته یا همبستگی برایم آشنا بود و در صوت های خود نیز می دمیدند. از این طرف نیز هراز گاهی شعار همبستگی داده می شد. اما بیشتر به جای زبان طبق معمول از صوت استفاده می کردند که به نظرم مسئولیتی ایجاد نمی کرد. تعداد کمی نیز پلاکارد در دست ها دیده می شد و یا به گردن ها آویخته شده بود. روی یکی نوشته شده بود " ما متحد هستیم، در خشمی همسان". در میان جمعیت به دنبال نشانی از اعلام همبستگی کارگران سایر بخش ها بودم اما جز شمار کمی نشانی از پرچم اتحادیه مثال یا اتحادیه خدمات وردی ندیدم، در حالی که معمولاً، مثلاً در روز اول ماه مه، فضا پوشیده از پرچم های آن هاست. البته زیاد هم باعث تعجب نیست. آنجا بوی سوسیس و آبجو می آید اما این جا بوی مبارزه، بویی که مشام اتحادیه ها را می آزارد!!

بعد از یک ساعت راه پیمایی به جلوی ساختمان کنگره رسیدیم. تریبونی تهیه شده بود و هم چیزها از قبل آماده شده بود. و روسا و سهامداران در پشت درهای بسته کنگره برای سرنوشت کارگران تصمیم می گرفتند و کارگران آمده بودند که بگویند ما زنده ایم و برای حقوق خود و شاید در شرایطی دیگر برای امحای حقوق شما می جنگیم.

ابتدا نمایندگانی از اتحادیه های IG BCE آلمان و GCT و FO فرانسه سخنرانی کردند. تنها حضور نماینده FO با ابزار احساسات شدید کارگران فرانسوی مواجه شد. وقتی که نماینده اتحادیه آلمان خطاب به سهامداران با توجه به شرایط بحران با تاکید گفت که " اکنون کارکنان کنتیننتال و روسا در یک قایق نشسته اند" این گفته مایه تعجب کارگران فرانسوی شد و به مذاقشان خوش نیامد. حق هم داشتند. چگونه می شود مساله را این گونه دید؟ این تنها بیانگر دید کسانی است که خود با سرمایه داران حشر و نشر دارند و هم نشین و هم کاسه اند نه کارگران که از طلوع خورشید تا پایان ساعات کار دوشیده می شوند و خسته و وامانده روانه خانه می شوند، و در توفان نیز قایقی برای نجات ندارند جز آن که بر موج توفان سوار شوند و خود توفان به پا کنند. صدای اعتراض کارگران با دودین نیروهای پلیس به سمت کنگره و سد بستن جلوی راه ورودی به کنگره همراهی شد. در حالی که به پلیس ها نگاه می کردم دوباره به یاد رمان البویه لنام و آن شب های دردناک همراه با قصه گویی افتادم و زیر لب تکرار کردم آیا این کله های کوچک می توانند فکر کنند.

بعد از پایان سخنرانی ها نوبت به گروه جاز آلترناتیو رسید تا با موزیک و ترانه های اعتراضی خود فضا را باز هم اعتراضی تر کند. اما در همین زمان اتحادیه متحد DGB که مادر اتحادیه های آلمان است و طبق معمول به جای رهنمود برای مبارزه، کارگران را دعوت به خوردن کباب و آبجو می کند بساط خود را پهن کرد و با کشاندن کارگران به سوی خود فضا را ملایم کرد و این نیز برای کارگران فرانسوی باعث تعجب شد. مسلمان می بایستی برای نهار شرکت کنندگان در تظاهرات تدارک دیده می شد اما در زمان مناسب.

در کنگره، توماس نویمن، رئیس کنتیننتال توضیح داد که " با توجه به بازار اسفناک لاستیک برای ما راهی به جز بستن کارخانه ها وجود ندارد. دانما به میزان کالایی که بیش از نیاز است افزوده می شود. باید به کاهش ساعات کار بیشتری فکر کنیم". کاملاً قابل قبول است که تولید بیش از نیاز وجود داشته

اتحادیه ما همه کارگرند و در کارخانه حضور دارند اما اینجا کارمند اداره نشین هستند و تماسی با کارگران ندارند و نمی دانند کارگران چه می خواهند و چه می کنند. گفت می خواسته در این جا مستقیماً با کارگران رابطه بگیرد اما امکان این کار را نیافته است. انریکو افزود بحران شدید است و در مورد همبستگی بین المللی کارگری امیدی به اتحادیه های موجود نیست. او پیشنهاد کرد کارگران خود را از بوروکراسی اتحادیه رها سازند و خود مستقلاً وارد عمل شوند. وی گفت کارگران نیازی به بوروکراسی ندارند.

دو کارگر عضو اتحادیه نیز از کارخانه لاستیک سازی سن لوئیس پوتوسی آمده بودند. فدریکو توضیح داد که در سپتامبر سال گذشته دستمزدهایشان به بهانه بحران ۲۰٪ کاهش یافت. البته کنسرن خواهان کاهش ۵۰٪ دستمزدها بود- و تغییراتی در شرایط قرارداد دسته جمعی کار داده شد. با آن که کارفرما قول داد که تا سال ۲۰۱۵ دیگر کاهشی رخ نخواهد داد اما هنوز ۶ ماه نگذشته بود که قول خود را زیر پا گذاشت. در فوریه ۲۰۰۹ کنسرن اعلام کرد که بدون کاهش مجدد دستمزدها نمی تواند به ادامه کار کارخانه اجازه دهد و ۵٪ کاهش مجدد را پیشنهاد کرد. با تلفن کارگران را تهدید کردند که اگر شرایط را نپذیرند و مبارزه کنند یا آن ها را اخراج خواهند کرد یا اصلاً در کارخانه را خواهند بست و همه را بیکار خواهند ساخت. در همین جلسه تلفنی به فدریکو اطلاع داده شد که امروز چک های حقوقی کارگران با ۵ درصد کاهش به آن ها ارائه شد و کارگران در یک تصمیم جمعی از پذیرش چک ها خودداری کرده و اعلام کرده اند که برای حقوق خود مبارزه خواهند کرد. او در مورد درس گیری از تجربه کارگران اوزکادی گفت ما با آن ها در تماس هستیم و اگر در شرایط مناسب قرار بگیریم ال‌ترناتیو آن ها را به کار خواهیم گرفت و ادامه داد که کارگران می خواهند مبارزه کنند. کنسرن احتمالاً اگر می خواهد بماند باید به خواست ما توجه کند.

فریده ثابتی

۲۶ آوریل ۲۰۰۹

باشد. زیرا میانگین ۳۸ ساعت کار با بارآوری کار ماشین و نیروی کار امروز چندین برابر حتی ۵ سال قبل تولید به بار می آورد و کارگران را نیز بیش از پیش فرسوده می کند. با توجه به این شرایط باید ساعات کار به طور کلی و بدون کاهش دستمزد به ۳۵ ساعت و حتی کمتر کاهش یابد. کنسرن مدعی وجود ۲۰ میلیارد یورو بدهکاری است. اما این بدهکاری ربطی به کارگران ندارد و به خرید شرکت VDO توسط کونتینتال و خرید سهام بیشتر کونتینتال توسط خام شافلر سهامدار بزرگ کنسرن برمی گردد. باید ذکر کرد که در دو سال گذشته گرچه کمتر از سال های پیشین اما هر سال نزدیک به ۱/۸ میلیارد سود از کار کارگران نصیب کنسرن شده است. پس مساله، عدم سودآوری نیست بلکه انتقال کارخانه به کشورهای جنوب و غارت نیروی انسانی بسیار ارزان است و شاید هم گشایشی برای گرفتن کمک های دولتی. هم چنین اعلام شد که یک گروه سرمایه گذاری از دومی پیشنهاد خرید این کارخانه ها را داده است که در دست بررسی است. من موقع بازگشت کارگران فرانسوی حضور نداشتم. اما خواندم که پلیس با کمک همکاران فرانسوی خود تمام کوشش خود را برای فرستادن هرچه سریع تر کارگران به درون قطار و جدا کردن آن ها از دیگران به کار برده است، غافل از این که قول و قرارها و آدرس دادن ها برای تماس و همکاری پیش از آن رد و بدل شده بود. بدین سان آرامش به جزیره سکون بازگشت.

در شب جمعه ۲۴ آوریل نیز در یک جلسه دیگر کارگران کنسرن کنتینتال مکزیکی حضور یافتند و به پرسش های حاضران راجع به شرایط آن جا توضیح دادند. انریکو گومز نویسنده کتاب **یک روز بیشتر از کنتینتال** و کارگر کارخانه لاستیک اوزکادی توضیح داد که کار به خوبی پیش می رود و اتحادیه انقلابی آن ها و همه کارگران باهم کارها را سامان می دهند. در مورد خرید مواد اولیه با کنسرن های بزرگ که فروش و قیمت را کنترل می کنند، مشکل داشتند و بدین سبب تولیدشان در ماه های ژانویه و فوریه پایین آمده بود. اما با کمک شریک آمریکایی که با قبول شرایط تعاونی بودن کارخانه اوزکادی شراکت کرده بود مشکل حل شده و اکنون طبق معمول تولید به ۸۵۰۰ حلقه لاستیک رسیده است. او اتحادیه های آلمان را مورد انتقاد قرار داد و گفت در

اول ماه می روز جهانی همبستگی کارگران را جشن می گیریم!

۶. تعیین حداقل دسمزد متناسب با تورم
 ۷. انحلال شرکت های پیمانکاری و کارهای پکیجی
 ۸. لغو قرار دادهای موقت و استخدام رسمی همه کارگران
- زنده باد اول ماه می روز همبستگی کارگران**

جمعی از کارگران ایران خودرو

منبع: خودروکار

۵ اردیبهشت ۸۸

اول ماه می روز جهانی همبستگی کارگران را جشن می گیریم .

- آزادی اجتماعات و برگزاری مراسم روز کارگر بدون مجوز و بدون نیروهای انتظامی و بدون دخالت دولت حق مسلم همه کارگران است.
۱. حق ایجاد تشکل بدون دخالت دولت و نیروهای ضد کارگری
 ۲. حق اعتصاب و اجتماع و حق آزادی بیان
 ۳. آزادی بدون قید و شرط فوری تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی
 ۴. تامین امنیت شغلی و بیمه بیکاری برای همه
 ۵. تامین مسکن و بیمه های اجتماعی برای همه

اعتراض مشترک کارگران فرانسه و آلمان به بسته شدن کارخانه لاستیک سازی

خیابان های می ریزند. او می گوید در کوپن، یک شهر کوچک با جمعیت ۶۰۰۰۰ نفر، ما یک تظاهرات ۱۲۰۰۰ نفری را سازماندهی کردیم. شرکت این تعداد افراد، که شامل همه کارگران کارخانه، تمام خانواده و اقوام و آشنایان می شدند، بسیار هیجان آور بود. کارگران دیگر از تجربه خودشان سخن گفتند...

با وجود همدستی رهبری اتحادیه در عملی شدن هدف سرمایه داران در بیکارسازی کارگران، بروز جرعه اتحاد بین المللی تعدادی از کارگران دو کشور آلمان و فرانسه قطعا یک دستاورد بزرگ در متن عظیم ترین بحران سرمایه داری جهانی امروز به حساب می آید. به امید آن که چنین جرعه هایی تکرار شود و به رعد و برق عظیم و بنیان کن جنبش فراملی کارگران تبدیل گردد.

مراد عظیمی

۰۹/۰۴/۲۵

روز ۲۳ آوریل، کارگران آلمانی و فرانسوی شرکت فراملی کننیتال تایر در شهر هانوفر علیه بسته شدن کارخانه و بیکارسازی دست به اعتراض زدند. طرح سرمایه داران برای بستن دو کارخانه لاستیک سازی در شهر هانوفر آلمان و شمال فرانسه شغل ۳۰۰۰ کارگر را تهدید می کند.

تظاهرات و اعتراض کارگران در شهر هانوفر آلمان اولین حرکت مشترک کارگران دو کشور همجوار به شمار می رود. کارگران آلمانی با هلهله شادی از پیوستن هزار کارگر فرانسوی که روز پنجشنبه با یک قطار مخصوص وارد هانوفر شدند، استقبال کردند. هر دو گروه کارگران آلمانی و فرانسوی شعار **کارگران جهان متحد شوید** را فریاد زدند. یک کارگر جوان فرانسوی به اسم جاناتان می گوید من دو سال است که در کارخانه لاستیک سازی در شهر کلیروکس کار می کنم. لودویک، کارگر جوان دیگری از فرانسه، می گوید پدرم ۲۵ سال است که در این کارخانه کار می کند. او می گوید، من اولین بار است که در یک اعتراض و تظاهرات بین المللی شرکت می کنم. همه چیز تغییر می کند، خیلی ها دارند بیدار می شوند. در فرانسه خیلی ها به

اعتصاب کارگران بندر ۴ گوتنبرگ سوئد

یکی از اعضای هیئت رئیسه سازمان محلی بندر می گوید: تصمیم به اعتصاب در جلسه ای با حضور ۲۰۰ کارگر عضو گرفته شده است. او می افزاید کارفرمای بندر مصمم به استفاده از کارگران ساعتی و اجاره ای عضو اتحادیه های دیگر برای به شکست کشاندن مبارزات و اعتصاب ماست. اما ما با قدرت تمام و اتحاد و یکپارچگی کارگری خویش همه این توطئه ها را دفع کرده و دفع می کنیم.

سازمان بندر ۴ همچنین در یک اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کرده است که اگر کارفرما در طول اعتصاب به اعمال خصمانه علیه آن دست زند این سازمان نیز به راهکارهای مقابله جویانه کاملاً جدیدی متوسل خواهد شد، اعتصاب شکنان را از پشت کردن به منافع جمعی طبقه شان و خوش خدمتی به صاحبان سرمایه پشیمان خواهد کرد و با قدرت راه ورود هر اعتصاب شکنی را به حوزه بندر سد خواهد نمود.

آوریل ۲۰۰۹

اتحادیه سراسری کارگران سوئد LO دریافت نموده است!!

سازمان محلی بندر ۴ گوتنبرگ ۸۰ درصد کل کارگران بندر را در عضویت خود دارد. این سازمان از ساختار اتحادیه سراسری LO جدا و مستقل است، به سران LO معترض است و بر اساس پاره ای گزارشات در طول سال جاری تلاش هایی برای دفاع از حقوق ۷۰۰ کارگر عضو در مقابل تهاجمات سرمایه داران انجام داده است. صاحبان سرمایه به همین دلیل از مذاکره با این سازمان امتناع می ورزند و برای اجرای نقشه های جنایتکارانه ضد کارگری خود دست به دامن دیوان سالاری LO می شوند. سرمایه داران صدرنشین دیوان سالاری LO درمورد اخراج این ۱۳۰ کارگر با یک تیر دو هدف را زده اند. از یک سو وظیفه خویش در کار قربانی ساختن توده های کارگر در آستان سود سرمایه را خوب ایفا کرده اند و از سوی دیگر سازمان محلی بندر را به جرم سرپیچی از اوامر مطاع خویش مورد تنبیه قرار داده اند.

اعتصاب ۱۳۰ کارگر بندر شهر گوتنبرگ سوئد وارد چهارمین روز خود شد. این اعتصاب که از دوشنبه ۲۰ آوریل شروع شده است حداقل تا جمعه ۲۴ آوریل ادامه خواهد داشت. اعتصاب ۲۰ درصد کل حمل و نقل این عظیم ترین بندر تجارتی سوئد را متوقف کرده است. کارگران از ورود کشتی ها به حوزه بندر جلوگیری کرده و روند حمل و نقل کالاها را مختل ساخته اند. یکی از ابتکارات بسیار ارزنده و درس آموز کارگران این است که امکان هر نوع توطئه را از کارفرمایان برای اعزام نیروهای اعتصاب شکن سلب کرده اند. آنان با برنامه ریزی سنجیده خود شانس بهره گیری سرمایه داران از اضافه کاری کارگران بخش های دیگر بندر را نیز به طور کامل منقعی ساخته اند. علت وقوع اعتصاب و تداوم هفت روزه آن این است که کارفرمای دولتی بندر شهر گوتنبرگ ۱۳۰ کارگر را اخراج کرده است. او برای این کار حتی با سازمان محلی کارگران هم هیچ صحبتی نکرده و مجوز صدور احکام اخراج را یکرست از صدرنشینان بخش ترانسپورت

اول ماه مه و تشدید سرکوب و خفقان در جنبش کارگری

دولت در سایر نقاط کشور نیز نوع این تهاجمات و تاخت و تازهای ضدکارگری را انجام داده است.

منبع: آژانس ایران خبر

۴ اردیبهشت ۸۸

قرار داده و به آنان گفته اند که در روز اول ماه مه حق اجرای هیچ مراسمی را ندارند و نباید از خانه های خود خارج شوند. نهادهای امنیتی و انتظامی سرمایه کارگران را تهدید کرده اند که هر جنب و جوش آنان را در روز جهانی کارگر با مجازات های سنگین مواجه خواهند کرد.

با نزدیک شدن روز جهانی کارگر دستگاه های دولتی اعمال سرکوب سرمایه بر توده های کارگر بی عنان تر و سرکش تر از همیشه به جان فعالان کارگری افتاده اند. بر اساس گزارشات، در شهر نرده شماری از کارگران را احضار کرده اند، آن ها را مورد تهدید و ارباب

تجمع های اعتراضی کارگران اداره آب زابل

کرده و دست به اعتراض زده اند. آنان به اعتراضات خویش ادامه می دهند. یکی از کارگران می گوید که ما از پای نمی نشینیم و تا آخرین ریال حقوق ها را از حلقوم سرمایه داران بیرون می کشیم.

منبع: آژانس ایران خبر

۴ اردیبهشت ۸۸

به وعده خود عمل نکردند و سرانجام در پایان ماه اسفند همه کارگران را بدون هیچ ریالی حقوق روانه آلونک های تاریک و فقرزده و جهنمی خود کردند. سرمایه داران به این سطح از جنایات و کارگرکشی هم بسنده نکردند. آنان با شروع سال جدید دست به اخراج کارگران زده اند و آنان را بدون پرداخت دستمزد بیکارساخته اند. کارگران اخراجی تا حال چند بار در مقابل نهادهای دولتی مختلف اجتماع

اداره آب زابل موسوم به « اداره تأمین آب چاه ... » ده ها تن از کارگران خود را اخراج کرده است. این کارگران ماه ها است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. سرمایه داران دولتی مسئول اداره آب کشاورزی شهرستان در طول چند ماه گذشته، هر بار هنگام اعتراض کارگران، اعلام کرده بودند که دستمزدها را تا پیش از پایان سال ۱۳۸۷ پرداخت می کنند. آنان در تمامی این دفعات به کارگران دروغ گفتند،

اخراج ۸۰ کارگر و خطر بیکاری ۲۷۰ کارگر کارخانه ارج

جمعی و شورایی ضدسرمایه داری همه سرمایه داران را از کارخانه اخراج کنند و خود برنامه ریزی کار و تولید را به دست گیرند. کارگران در صورت انجام این امور خواهند توانست با اعمال قدرت طبقاتی خویش دولت سرمایه داری را مجبور به تهیه مواد لازم برای ادامه کار کارخانه کنند.

۴ اردیبهشت ۸۸

نشان می دهد که این تهدید عملی خواهد شد و به این ترتیب از کل ۳۷۰ کارگر موجود این کارخانه ۳۵۰ نفر به جرگه بیکاران خواهند پیوست. توصیه ما به کارگران ارج همچون همه کارگران کارخانه های در معرض تعطیل این است که به جای قبول حکم اخراج دست در دست هم گذارند، با هم متحد شوند، شورای ضدسرمایه داری خود را تشکیل دهند، سراغ همزنجیران خویش در کارخانه ها و مراکز دیگر کار و تولید برونند، با توسل به قدرت متحد

کارخانه ارج در گذشته های دور یکی از عظیم ترین تراست های صنعتی تولید کننده یخچال و بخاری و فریزر و سایر وسائل خانگی بوده است و بیش از چند هزار کارگر را استنمار می کرده است. شمار کارگران اینک در مجموع به ۳۷۰ نفر کاهش یافته است. سرمایه داران صاحب شرکت در روزهای اخیر ۸۰ نفر دیگر از کارگران را هم اخراج کرده اند. آنان تأکید می کنند که در همین چند روز آینده ۲۷۰ کارگر دیگر را نیز بیکار خواهند ساخت. همه شواهد

بیکاری ۵۰ کارگر دیگر در زاهدان

همین چند روز اخیر بیش از ۵۰ کارگر صنایع تولید کننده وسایل سرمازا بیکار شده اند.

منبع: آژانس ایران خبر

۴ اردیبهشت ۸۸

میزان سودها مایل به ادامه کار نیستند. صاحبان سرمایه با طرح این دستاویزها یکی پس از دیگری اعلام ورشکستگی می کنند و کارگران خود را فوج فوج بیکار می سازند. فقط در

در طول یک ماه اخیر و از آغاز سال جدید تا امروز چندین کارخانه و مرکز کار در زاهدان تعطیل و همه کارگران آن ها بیکار شده اند. سرمایه داران صاحب این واحدها می گویند زیر فشار بحران، کاهش بازار فروش و تنزل

اخراج دسته جمعی کارگران کارخانه نیرو رخش کردستان

اند. کارگران هیچ روزنه امیدی برای یافتن کار در پیش روی خود نمی بینند. بیکاری و گرسنگی و فقر و خطر مرگ ناشی از گرسنگی همه آن ها را تهدید می کند.

منبع: آژانس ایران خبر

۴ اردیبهشت ۸۸

مصادره شده کارگران، سرمایه های دریافتی در شکل وام و پول حاصل از فروش وسائل موجود کارخانه به دنبال اعلام ورشکستگی را با هم جمع کرده و در تدارک سرمایه گذاری انبوه تر در دیگر زمینه های صنعتی و تجاری هستند. همه کارگران کارخانه در وضعیت بسیار رقت باری قرار گرفته اند. آنان زیر فشار بدهکاری هستند زیرا ماه ها است که از طریق گرفتن نسبه نان خالی فرزندانشان را تهیه کرده

سرمایه داران صاحب کارخانه نیرو رخش کردستان با اعلام ورشکستگی کل کارگران کارخانه را اخراج کرده اند. آنان ۴ ماه است که کل دستمزد کارگران را مصادره نموده و به نفع افزایش سرمایه های خود ضبط کرده اند. سرمایه داران علاوه بر این ها، سرمایه های انبوه حاصل کار و استنمار توده های کارگر را نیز به صورت وام از بانک ها دریافت نموده اند. آنان همه این ارقام یعنی دستمزدهای

نجیبه صدای اعتراض زن در ایران است

صدای اعتراض خود به دنیای نابرابر و سرشار از مناسبات ضد انسانی را به گوش جامعه رسانده است. نجیبه حق دارد این اعتراض را با شدت هر چه تمام تر فریاد بکشد، چرا که خود او مستقیماً تحت انواع ستم قرار دارد.

نجیبه سبحانی به جرم تدارک برگزاری مراسم ۸ مارس روز ۱۶ اسفند ۸۷ توسط نیروهای اطلاعات در شهر مریوان دستگیر شده است. نجیبه یکی از انسان های آگاه و مبارز مریوان است که در چند سال اخیر با فریادی بلند،

کوچک و بزرگ زندگی روزمره نجیبه تسلیم روزمرگی نمی شود و از هر فرصتی برای اعتراض به مناسبات ظالمانه زندگی مانند ستم بر زن، ستم بر کودک، ستم طبقاتی فروگذار نمی کند. در جواب به اطرافیان که او را دعوت به سکوت و تسلیم می کردند، می گفت: اگر من فریاد نکشم، چه کسی فریاد بکشد؟ چه کسی بیشتر از من رنج زن بودن و مادر بودن و کارگر بودن را دیده است؟ بچه هایم چرا قربانی نظام پدرسالاری شدند؟ اعتراض من به همه ستم هایی است که بر خودم رفته است. در واقع نجیبه راست می گوید. او صدای اعتراض زن به دنیای نابرابر است. ما از همه انسان های آزادی خواه و برابری طلب که قلبشان برای انسانیت می تپد دعوت می کنیم برای آزادی نجیبه و بازگشت او به میان فرزندانش بکوشند و نگذارند صدای نجیبه در سکوت رسانه های حقوق بشری! خفه شود.

از طرف دوستان نجیبه سبحانی

منبع: سایت اتحاد کارگری

۳ اردیبهشت ۸۸

صدای اعتراض او از گلوی زخمی خودش بر می خیزد، چون مانند صدها زن تازیانه دنیای نابرابر و ضد انسانی را با گوشت و پوست خود لمس کرده است. در ۱۵ سالگی او را به زور شوهر داده اند، ۶ بچه به دنیا آورده است، پا به پای شوهر خود کار کرده است، به جرم آزاد اندیشی و برابری طلبی از دست شوهرش کتک خورده است و به همین جرم نیز به زندان رفته است. پس از چندین سال تحمل شکنجه های جسمی و روحی ناچار به جدایی از شوهرش می شود و با شجاعت هر چه بیشتر به جنگ زندگی در دنیای بی رحم سرمایه داری می رود. دنیایی که برای هزاران انسان مانند نجیبه زندانی بزرگ است و کوچک ترین روزنه امیدی در آن به چشم نمی خورد. کسانی که از نزدیک او را می شناسند، شهامتش را در برخورد با مشکلات زندگی ستوده اند. در شهر کوچک مریوان ناچار می شود خانه اجاره کند و برای پرداخت اجاره خانه و سایر هزینه های زندگی انگشتان نازنین و نور چشمانش را به جنگ نخ و سوزن برای بافتن گیوه می فرستد. چندی بعد مغازه ای اجاره می کند و از طریق فروشندگی پوشاک و لوازم زنانه امرار معاش می کند. هر از چند گاهی خانه اش پناهگاه بچه هایش می شود که از دست پدر فرار می کنند و به نجیبه پناه می برند. با وجود هزاران مشکل

از زبان یک کارگر کارخانه شیشه سازی قزوین

- دستمزدها اغلب برای مدت طولانی به تعویق می افتد.
- شمار بسیار کثیری از کارگران به صورت قراردادی کار می کنند. مدت قرارداد کار غالباً یک ماه است و بسیاری از کارگران پس از یک ماه کار کردن و استئمار شدن اخراج می شوند.
- در همین یک ماه پیش فقط یک قلم ۳۰۰ کارگر مشمول بیکارسازی قرار گرفتند و صاحبان سرمایه پرونده اشتغال آنان را برای همیشه بستند.
- سرمایه داران ضمن اخراج مستمر و گسترده کارگران هیچ کاهشی در تولید را تحمل نمی کنند. آنان اخراج می کنند فقط به این خاطر که کل کار کارگر اخراجی را بر دوش همزنجیر شاغل وی اندازند و سطح تولید را همچنان بالا ببرند و سود خود را بیش از پیش افزایش دهند.

منبع: آژانس ایران خیر

۳ اردیبهشت ۸۸

در این کارخانه:

- ۱۵۰۰ کارگر استئمار می شوند.
- کارگران در شبانه روز ۳ شیفت کار می کنند.
- همه کارگران مجبورند تمام هفت روز هفته در سر کار حاضر باشند و هیچ روز تعطیلی برای آنان وجود ندارد.
- غالب کارگران اصلاً بیمه نیستند.
- بخش وسیعی از کارگران زن هستند. دستمزد کارگران کلاً بسیار نازل است، اما دستمزد زنان کارگر از دستمزد مردان کارگر هم حتی به صورت چشمگیری پایین تر است.
- در این کارخانه حتی حداقل دستمزد مصوبه شورای عالی کار هم به کارگران داده نمی شود و سرمایه داران هر میزانی از مزد را که خود اراده کنند به زور بر کارگران تحمیل می کنند.

معلمان سقز به اعتصاب سراسری معلمان می پیوندند

انتظامی و امنیتی برای کنترل اوضاع به تقلا افتاده اند.

منبع: آژانس ایران خیر

۳ اردیبهشت ۸۸

هشتم اردیبهشت هیچ معلمی در هیچ مدرسه ای حضور نخواهد یافت. اعلام شده است که معلمان اعتصاب را در سطح سراسری و تا دستیابی به مطالبات خود ادامه خواهند داد. با اعلام خبر اعتصاب، نیروی سرکوب در مدارس و مراکز آموزشی کشور به حال آماده باش درآمده است. بسیجی ها و نیروهای

معلمان سقز با صدور اطلاعیه ای از همه همزنجیران خویش در سراسر مناطق شهری و روستایی درخواست کرده اند که به اعتصاب عمومی معلمان در سراسر ایران بپیوندند. قرار است که معلمان در روزهای ششم و هفتم اردیبهشت در محل کار حاضر شوند اما از رفتن سر کلاس و تدریس خودداری کنند. روز

بلعیده شدن شرکت وزنه توسط شرکت ماموت و بیکارسازی ۵۰۰۰ کارگر

مراسم خدمتگزاری لازم را در پیشگاه صاحبان سرمایه به جا آوردند. آنان برای رفع خطر اعتراض و بیکار ۵۰۰۰ کارگر اخراجی از سر سرمایه داران به هر ترفندی دست یازیدند. ابتدا این گونه وانمود کردند که کارخانه به هشتگرد

گسترده تر باندهای مافیایی قدرت سیاسی سرمایه نیز برخوردارند. اداره کار کرج و همه نهادهای دیگر دولتی ذریبط در جریان بلع و هضم و تصاحب شرکت وزنه توسط ماموت و بیکارسازی ۵۰۰۰ کارگر کارخانه تمامی

دو سال پیش شرکت وزنه توسط بانک ملت به شرکت بزرگ صنعتی و مالی ماموت واگذار شد. ماموت متعلق به شماری از بزرگ ترین سرمایه دارها (خانواده فردوس) است که به میزان عظمت سرمایه های خویش از حمایت

خبرنامه کمیته باطنی برای ایجاد تشکل کارگری

خواهند به دولتمردان سرمایه بذل و بخشش کنند. کارگران اخراجی در محاصره تمامی ترفندها و جنایات باندهای مافیایی سرمایه و دولتیان حامی آن ها هیچ راهی به هیچ کجا نبردند و اینک همه آن ها و زن و فرزندانشان با مرگ ناشی از گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند.

منبع: جمعی از کارگران قراردادی اخراجی ماهوت

۳ اردیبهشت ۸۸

بهزیستی را از رشوه های خود سیراب کرده اند و رؤسای سایر نهادهای دولتی را نیز به اندازه کافی مشمول عنایات خویش قرار داده اند. اخراج ۵۰۰۰ کارگر، سرشکن کردن کل کار آنان بر دوش همزنجیرانشان، بلع کل سرمایه های شرکت وزنه و به بیان دقیق تر بلع میلیاردها میلیارد کار مترکم مرده توده های کارگر و میلیاردها تومان صرفه جویی ناشی از اخراج آنان و مصادره مادام العمر دستمزدهایشان این امکان را به صاحبان ماموت داده است که با فراغ بال و حاتم وار هر چه می

منتقل می شود و بعدها توطئه های فراوان دیگر ساز کردند. حاصل همه این شرارت های برنامه ریزی شده مورد اتفاق نهادهای دولتی و خانواده فردوس این شده است که ۵۰۰۰ کارگر کار خویش را از دست داده اند. اینان مدت ها است که علیه این جنایت اعتراض می کنند اما هیچ کس به اعتراض آنان هیچ وقعی نمی نهد. خانواده فردوس برای رهایی از خطر مبارزات کارگران همه تدابیر لازم را اتخاذ کرده و به اجرا نهاده اند. آنان مبالغ عظیمی به کمیته امداد امام باج داده اند، سرمایه داران صدرنشین اداره

WWW.HAMAANGI.COM

khbitkzs@gmail.com

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.